

تحلیل عوامل مؤثر بر پایداری همکاری‌های مرزی؛

نمونه موردی: ایران و اقلیم کردستان عراق

سیروس احمدی نوحدانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۳

ریحانه صالح آبادی^۲

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۲/۱۱

ساجد بهرامی جاف^۳

چکیده

همکاری‌های مرزی سبب گردهم‌آمدن جوامع دو طرف مرز می‌گردد و این عامل می‌تواند به‌صورت بالقوه برای تبدیل آنها به جوامعی توسعه‌یافته یاری رساند. هدف تحقیق، بررسی عوامل مؤثر بر تداوم همکاری مرزی بین ایران و اقلیم کردستان است. از آنجاکه کردها می‌توانند در آینده ژئوپلیتیک منطقه اثربخش باشند و به‌عنوان نیرویی برای توازن سیاسی منطقه مورد استفاده قرار گیرند، ضروری است تا به این موضوع توجه شود. روش‌شناسی حاکم بر تحقیق حاضر براساس پارادایم اثباتی و برپایه روش کمی بوده و به‌دنبال شناخت مهم‌ترین عوامل و متغیرهای مؤثر بر تداوم همکاری‌های مرزی بین اقلیم کردستان عراق و ایران است. بدین‌منظور، مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر تداوم همکاری‌های مرزی در ۶ بعد (سرزمینی، ژئوپلیتیکی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی و دفاعی - نظامی) انتخاب شدند. یافته‌های میدانی تحقیق حاضر که برگرفته از نظرات نخبگان و کارشناسان مرتبط با مسائل مرزی بود، نشان داد که ۶ متغیر: پیوستگی طبیعی مرز بین دو کشور، ایدئولوژی‌ها و راهبردهای دو کشور هم‌مرز، منابع مشترک مرزی، زبان مشترک بین ساکنین دو سوی مرز، تروریسم بین‌المللی و... از جمله مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار بر پایداری همکاری‌های مرزی بین منطقه خودمختار کردستان عراق و ایران محسوب می‌شوند. درنهایت می‌توان گفت که به‌منظور بهبود وضعیت همکاری بین این دو منطقه ابتدا باید راهبردها و سیاست‌هایی متناسب با شرایط هر دو منطقه تدوین نمود تا درنهایت بتوان به پایداری در همکاری‌های مرزی و بهبود وضعیت منطقه دست یافت.

واژگان کلیدی

همکاری مرزی؛ ایران؛ اقلیم کردستان عراق



انسان برای مشخص ساختن محیط پیرامون خود، به گونه‌ای که با گستره فعالیت همسایگان آن تداخل نداشته باشد، ناچار به تعیین خطوط قراردادی در بخش پایانی و پیرامونی محیط‌زیست یا قلمرو خود است (مجتهدزاده، ۱۳۸۰: ۴۰). به عبارت بهتر، می‌توان گفت مفهوم مرز برخاسته از تفاوت است. تفاوت بین دو شخص، دو پدیده و... که باهم برخورد می‌کنند و در نتیجه آن یک فصل مشترک یا نقطه تماس میان آنها به وجود می‌آید که اصطلاحاً مرز میان آنها نامیده می‌شود. از این رو، مرزها خطوطی هستند که براساس تلقی و درک انسان‌ها از خودشان و تفاوتشان نسبت به فضای مجاور ترسیم می‌شوند (جان‌پرور و حافظ‌نیا، ۱۳۹۶: ۲۵). مرز، ابزار پایه و اولیه یک حکومت است، زیرا هیچ حکومتی بدون داشتن سرزمینی با مرزهای مشخص و محدود نمی‌تواند در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی قضایی پیشرفت کند (شوتار، ۱۳۸۶: ۱۹۰). از آنجاکه مرزها چارچوب مشخصی برای کشور ایجاد کرده و از طریق آنها کشور می‌تواند با دیگر کشورها و بازیگران در سایر نقاط جهان ارتباط داشته باشد. بر این مبنا، مفهوم ارتباطات مرزی شکل می‌گیرد و به صورت کلی می‌توان آن را به این صورت تعریف کرد، تعامل بین دو طرف مرز در سطوح مختلف محلی و ملی چه به صورت رسمی و چه به صورت غیررسمی (جان‌پرور، ۱۳۹۶: ۹۹ - ۱۰۰). در زمینه ارتباطات مرزی باید توجه داشت که، اقوام و ملل گوناگون در راستای تأمین نیازهای خود از دیرباز با همسایگان پیرامون، روابط متقابل تجاری، اقتصادی و فرهنگی ایجاد می‌کردند و با شکل‌گیری حکومت‌ها و تعیین حدود کشورها، روابط بین آنها وارد مرحله تازه‌ای شد (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ۵۴). به عبارت دیگر، نواحی مرزی کشورها در مناسبات همجواری، جایگاه ویژه‌ای دارند. در سال‌های اخیر، تعاملات مرزی (همکاری) میان مناطق مرزی کشورها به یک مسئله حیاتی برای توسعه پایدار این مناطق تبدیل شده است (کوروسکا^۱ و همکاران، ۲۰۱۸: ۱). امروزه با توجه به تحولات صورت گرفته در جهان از جمله جهانی‌شدن، ورود به عصر اطلاعات و... بسیار مشکل است که کشورها به تنهایی و به صورت انفرادی بتوانند منافع ملی خود را در سطح جهان پیگیری کنند و به بقای خویش ادامه دهند؛ چراکه به دلیل پیوندها و



وابستگی‌هایی که بین کشورها ایجاد شده و همچنین بی‌ثباتی سیاسی و ضعف‌های راهبردی بسیاری از کشورها، تأمین امنیت ملی به‌تنهایی تقریباً غیرممکن است. بنابراین، کشورها برای تأمین امنیت و منافع ملی خود همکاری و همراهی را امر معقول و مطلوب می‌بینند (جان‌پرور و همکاران، ۱۳۸۹: ۱). بنابراین مطالعه مرزها از جایگاه مهمی در مطالعات جغرافیای سیاسی برخوردار است. درواقع، یکی از وظایف جغرافیای سیاسی کمک به ایضاح کارکردهای مرزهای سیاسی به‌عنوان یک وسیله ضروری تشکیلات فضایی انسان و زندگی با آن در یک راه هوشیارانه است (رومیلی و مینگی، ۱۹۹۱: ۴۱)، تا زمینه استفاده مناسب از کارکردهای این مناطق هم برای حکومت و هم برای مرزنشینان فراهم شود. بنابراین، کارکرد مرزها و نوع نگاه حکومت به مرز نقش محوری در پیشرفت این مناطق ایفا می‌کند. تعاملات مرزی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به‌واسطه ظرفیت بالقوه‌ای این مناطق در جهت برنامه‌ریزی برای توسعه و انسجام سرزمینی توجه بسیاری از محققان و دولت‌ها در سراسر دنیا را به خود جلب کرده است (کاستانو^۱ و همکاران، ۲۰۱۸: ۹۲). این تعاملات زمانی بیشتر نمایان می‌شود که بدانیم بیش از نیمی از جمعیت مرزی هر کشور در معرض سیاست‌های مشترک دو کشور همسایه و شکاف‌های موجود بین آنها قرار دارند (شیبا^۲، ۲۰۱۱: ۲۳۰). استمرار و پایداری حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این مناطق نیز در گرو انسجام مناطق مرزی کشورها می‌باشد (کوشکی و طولابی‌نژاد، ۱۳۹۹: ۱۱۶). پدیده همکاری‌های مرزی با غلبه بر برداشت کلیشه‌ای از مرز به‌عنوان سد و مانع، می‌تواند به‌منظور انجام پروژه‌های مشترک و سودمند برای خود شرکا و توسعه مناطق مرزی کشورهای همسایه همراه باشد. همکاری‌های مرزی، نمونه بارز همکاری‌های بین‌سازمانی است که از نظر قلمرو در مناطق مرزی همسایه دو یا چند کشور تعبیه شده است (رومانو^۳، ۲۰۱۰). درواقع، برای توسعه و پایداری انسجام در مناطق مرزی، عوامل و محرک‌هایی وجود دارد و جهت برنامه‌ریزی و اتخاذ راهبرد متناسب برای ایجاد پایداری در ابعاد مختلف، شناسایی این عوامل و محرک‌ها مهم است. ازجمله این پیش‌نیازها و محرک‌ها می‌توان، به عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی - مذهبی، ساختاری - نهادی،



سیاسی - امنیتی و فضایی - منطقه‌ای اشاره نمود. برای ایجاد انسجام در مناطق مرزی با مناطق کشورهای همجوار، شناسایی این عوامل و محرک‌ها برای برنامه‌ریزی پایدار در مناطق مرزی لازم و ضروری می‌باشد (کوشکی و طولابی‌نژاد، ۱۳۹۹: ۱۱۶). در واقع، برای پایداری انسجام بین مناطق مرزی در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، محیطی و اجتماعی - فرهنگی، سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی در کشورهای مختلف انجام گرفته است (لی و نا، ۲۰۱۰: ۱۶۳۴). اصل اساسی در این برنامه، اشتراک‌گذاری منابع و پیوند مشترک مناطق مرزی برای رسیدن به توسعه، انسجام متقابل و توسعه سطوح مختلف می‌باشد و اصول دیگر در این برنامه شامل سه اولویت رشد اقتصاد هوشمند و پایدار مناطق مرزی، پایداری همکاری‌ها و مشارکت مناطق مرزی با هدف بهبود کیفیت زندگی و ارتباط متقابل و مشارکت در زمینه‌های مختلف، تجاری و خدماتی، اقتصادی، نهادی، ساختاری، محیط‌زیستی، اجتماعی، فرهنگی و غیره را شامل می‌شود (کاستانو و همکاران، ۲۰۱۸: ۹۵). در این میان، دو کشور ایران و عراق و به‌ویژه منطقه خودمختار اقلیم کردستان عراق به دلیل همجواری جغرافیایی، داشتن یک پیوند قومیتی و تاریخی قوی، دغدغه‌های مشترک مرزی از جمله مقابله با تروریسم می‌توانند با گسترش همکاری‌های مرزی به انسجام سرزمینی، توسعه و امنیت در دو سوی منطقه مرزی کمک کنند. بنابراین، در این مطالعه مهم‌ترین عوامل مؤثر بر پایداری همکاری‌های مرزی بین دو منطقه مرزی بررسی شده است.

مبانی نظری

مفهوم مرز

در تعریف مرز می‌توان گفت: خطوط اعتباری و قراردادی هستند که به‌منظور تحدید حدود یک واحد سیاسی، روی زمین مشخص می‌شوند؛ چنانچه منظور از واحد سیاسی، یک کشور باشد، در آن صورت، خطوطی که اراضی یک کشور را از کشور همسایه جدا می‌سازد، مرزهای بین‌المللی خوانده می‌شود (Morelli, Vincent, 2009: 57). مرزها، پدیده‌هایی با ماهیت انسانی هستند که برای اثبات حقوق فیزیکی یک دولت بر یک قلمرو خاص، تشکیل شده‌اند. مارتین گلاسنر



معتقد است که مرز، نه یک خط، بلکه سطحی عمودی است که از طریق فضا و زمین و زیرزمین، دولت‌های همسایه را قطع می‌کند؛ هرچند که این سطح، در روی زمین به صورت یک خط مشاهده می‌شود (Power, Marcus, 2003: 84). مفهوم مرزهای بین‌المللی به شکل امروزی، به زمان معاهده صلح وستفاليا در سال ۱۶۴۸ میلادی در اروپا برمی‌گردد. در این زمان، منطقه سرحد که گستره وسیعی را دربرمی‌گرفت، جای خودش را به مرز داد. به این صورت، مرز به صورت خطی روی زمین ترسیم شد تا قلمروهای سیاسی و حاکمیت ملت‌ها را، از یکدیگر جدا کند. بدین ترتیب، ترکیب سه پدیده سرزمین، ملت و حکومت که باعث پیدایش کشور شده بود، در چارچوب مرز معنی‌دار شد (ویسی، ۱۳۹۰: ۴۱ - ۵۹).

همکاری‌های مرزی و عوامل مؤثر بر تداوم آن

همکاری بین‌سازمانی شامل انجام فعالیت‌های سازگار و متقابل متقابل از سوی واحدهایی است که دارای تأثیرگذاری بسزایی بر سایر ابعاد و فعالیت‌ها هستند (کازمارک^۱ و همکاران، ۲۰۰۰: ۱۵). سازمان می‌تواند از توانایی همکاری در دستیابی به اهداف مؤثر استفاده کند که اجرای آن به صورت جداگانه غیرممکن خواهد بود یا مستلزم دخالت نیروهای و منابع بیشتری است (اسچرمهون^۲، ۱۹۷۵). در سرزمین‌های مرزی می‌توان همکاری رسمی و غیررسمی، دوجانبه یا شبکه‌ای از اشخاص مختلف در بازار فرامرزی را توسعه داد، از جمله دولت‌های محلی، سازمان‌های غیردولتی مانند انجمن‌ها، کلوپ‌ها، بنیادها و غیره، خوشه‌ها و شبکه‌های موضوعی، مدارس و دانشگاه‌ها، گروه‌های غیررسمی و ساکنین (اسچهنون^۳ و همکاران، ۲۰۱۷: ۱۱۲). وزه جداگانه در همکاری‌های مرزی، همکاری شرکت‌ها با توجه به شرایط تجاری است. تمرکز هر نوع همکاری مرزی در درجه اول بر مشکلات مربوط به ارتباط شرکا، چالش‌ها و اهداف اقدامات مشترک و همچنین دامنه وسیع‌تری از شرایط ناشی از محیطی است که این همکاری توسعه می‌یابد (از جمله محیط مرزی). شرایط تشکیل مشارکت پایدار مرزی با پیامدهای کیفیت این مشارکت عبارتند از: تضمین حقوق مساوی همه شرکای منتهی به احترام متقابل، مزایای برابر برای شرکا، اطمینان از دوام همکاری و شفافیت در



روابط منجر به اعتماد. بنابراین، در فرایند تنظیم و توسعه همکاری‌های مرزی، اشخاصی که ترجیح می‌دهند، دارای این موارد هستند: اهداف سازگار عمل، علائق، انتظارات و آگاهی از نیازهای آنها و مزایایی که از همکاری انتظار دارند، می‌خواهند در مزایای همکاری شرکت کنند، اما آنها نیز آماده اشتراک هزینه و ریسک هستند. آنها همچنین از ظرفیت منابع مناسبی برای همکاری مانند دانش، مردم، منابع مالی و مادی، فرهنگ سازمانی برخوردار هستند که به‌طور مؤثر همکاری، تبادل دانش، تجربه و ایده را ارتقا می‌بخشد. آنها انگیزه‌ای واقعی برای همکاری دارند و بیشتر روی مشارکت همیشگی و نه موقت متمرکز می‌شوند (کوروسکا و کاتارزینا، ۲۰۱۷: ۴). درنهایت، همکاری بین‌سازمانی پایدار در الگوی مشارکت مرزی باید در درجه اول مبتنی بر روابط کوتاه‌مدت باشد و سپس بر روابط پایدار که جنبه‌های اصلی آن مربوط به پروژه‌ها می‌باشد (شیا، ۲۰۱۱). نکات کلیدی در توسعه روابط پایدار بین شرکا در یک پروژه همکاری مرزی:

- این مشارکت پاسخی به نیازهای هر شریک است که در رابطه با فعالیت‌ها و هزینه‌های برنامه‌ریزی شده در پروژه واقع‌بینانه بررسی و ارزیابی می‌شوند.
- طرف‌های همکار، متناسب با شایستگی‌ها و توانایی‌های واقعی‌شان در پروژه مشارکت می‌کنند.
- پروژه‌های مرزی به‌گونه‌ای تهیه شده است که هر شریک به نتایج موردانتظار خود دست یابد.
- یک پروژه نتیجه تمایل واقعی برای همکاری است، نه‌اینکه تحت شرایط تحمیل شود.
- یک پروژه منجر به تأثیراتی می‌شود که پایه و اساس مسیر توسعه بیشتر اینگونه مشارکت‌هاست، به‌عنوان مثال، اجرای پروژه که براساس راهبرد همکاری تعریف شده است، برای ایجاد و تقویت اعتماد بین شرکا و رفع موانع ارتباط و همکاری مطلوب است.
- یک پروژه به‌گونه‌ای انجام می‌شود که پس از اتمام آن، شرکا هنوز هم می‌خواهند با یکدیگر همکاری کنند (کوروسکا و کاتارزینا، ۲۰۱۷: ۴ و ۵).

نظریات مرتبط با همکاری‌های مرزی

اصطلاح نظریه یا تئوری در معانی گوناگونی در علوم انسانی و اجتماعی به‌کار می‌رود. اما به صورت ساده می‌توان گفت که نظریه، بخشی از دانش است که به



فهم ما از واقعیت کمک کرده و آن را منظم می‌کند و به نوعی گام نخست برای مطالعه هر موضوعی، درک نظریه‌های آن است (جان‌پور، ۱۳۹۶: ۱۷۲). از این رو در این بخش سعی شده است، برخی از مهم‌ترین نظریه‌های مرتبط با همکاری‌های مرزی بیان شود.

جدول ۱. نظریات مرتبط با همکاری مرزی

| نظریه‌ها و دیدگاه‌ها | شاخص‌ها |
|---|---|
| دیدگاه سیاست مرزی | مهاجرت، ورود و خروج کالا، جمع‌آوری عوارض گمرکی، جلوگیری از قاچاق سلاح و موادمخدر، کنترل گسترش بیماری‌ها، حمایت از صنایع و اقتصاد داخلی |
| دیدگاه تعداد همسایگان | صدور بحران (تعداد بالای همسایگان سبب ایجاد بحران و درگیری می‌شود)، تراکم تهدید مستقیم، تراکم اختلافات، اختلافات ارضی و مرزی، اختلاف بر سر منابع مشترک و حق‌آبه رودخانه‌های مرزی، مسائل عملکردی مرز، برخوردهای ایدئولوژیکی |
| دیدگاه کشمکش با سیاست بین‌الملل | موقعیت منطقه مرزی، منافع سیاسی کشورهای هم‌مرز، نوع و چگونگی کنش با بازیگران بین‌المللی، حمایت یا عدم حمایت بین‌المللی، سیاست خارجی کشورهای هم‌مرز، سیاست نظامی کشورهای هم‌مرز، تبادلات سرزمینی، اندازه سرزمین مورد مناقشه، رشد جمعیت، رشد و گسترش قلمرو |
| مدل کشمکش مرتبط با عوامل قومی و مذهبی | هویت قومی، دنباله‌دار بودن قومیت در دو سوی مرز، پیوند مذهبی با مرکز، پیوند مذهبی - قومی با فراسوی مرز، داشتن تفاوت‌های قومی و مذهبی، مهاجرت (انتقال اشتراکات از یک منطقه به منطقه دیگر) |
| دیدگاه کشمکش مرتبط با میراث تاریخی | تاریخچه شکل‌گیری مرز، روند شکل‌گیری مرز، وجود مناقشات سرزمینی، تحمیل جنگ و منازعات مرزی و سرزمینی |
| دیدگاه تأثیرات قرارگیری یک گروه قومی در دو سوی مرز بر کنترل مرزها | عوامل جغرافیایی: فاصله جغرافیایی؛ شرایط محیطی؛ پیوستگی طبیعی با فراسوی مرز؛ عدالت جغرافیایی؛ عوامل جمعیتی: توزیع پراکنده جمعیت؛ جمعیت جوان؛ سرمایه اجتماعی؛ کیفیت جمعیت؛ کمیت جمعیت؛ عوامل فرهنگی: پیوستگی فرهنگی؛ تفاوت با مرکز؛ ساختار قومی و قبیله‌ای؛ پیوندهای زبانی و مذهبی؛ تعصبات قومی؛ عوامل اقتصادی: توسعه‌نیافتگی؛ فقر و تنگدستی؛ بیکاری؛ دسترسی به امکانات جمعیت؛ تجارت و منافع مشترک؛ عوامل سیاسی: تبعیضات سیاسی؛ عدم بازیگری و نقش‌آفرینی؛ بی‌ثباتی سیاسی؛ نخبگان سیاسی؛ آرمان استقلال‌طلبی؛ عوامل نظامی - امنیتی: تراکم تهدید؛ عدم کنترل مرزها؛ تروریسم؛ نیروهای فرامرزی؛ آمایش مناطق مرزی؛ |
| مدل مدیریت مرزهای زمینی بلیک | همکاری‌های مرزی، مدیریت مرز، مدیریت دسترسی، مدیریت امنیت، مدیریت منابع فرامرزی، مدیریت زیست‌محیطی، مدیریت بحران |
| آمایش مناطق مرزی | دوری از مرکز، ضدیت سیستمی، انزوای جغرافیایی، ناپایداری سکونت، توسعه‌نیافتگی، تبادلات مرزی، پیوندهای فرهنگی و قومی، تهدیدات خارجی |
| مدل ماتینز | سیاست‌های مرزی، محدودیت‌های مرزی، سطح تعامل بین دو بازیگر، نوع نگرش نسبت به کشور هم‌مرز |



ادامه جدول ۱. نظریات مرتبط با همکاری مرزی

| نظریه‌ها و دیدگاه‌ها | شاخص‌ها |
|-------------------------------|---|
| اختلاف سطح توسعه و مناطق مرزی | قاچاق، عبور و مرور افراد غیرمجاز، فقر، بیکاری، تفاوت قیمت در دو سوی مرز |
| نظریه پیترهاگت | محصور بودن در خشکی، آب‌پخشان، مرزهای نامشخص در بستر رودخانه، دریاچه مشترک، موقعیت بالادست و پایین‌دست‌داشتن، گروه‌های قومی با دنباله فراسوی مرز، قرارگیری گروه قومی در دوسوی مرز، کوچ‌نشینان، دستکاری اقلیم، منابع مشترک مرزی، نداشتن منابع حیاتی در داخل کشور، جدافتادگی گروه‌های قومی |
| نظریه هاوس | سطح توسعه متفاوت در دو سوی مرز، وضع توسعه اقتصادی منطقه مرزی، توسعه فرهنگی در منطقه مرزی، ویژگی‌های خاص فرهنگی، سیاست ارتباطی دو کشور هم‌مرز، سیاست داخلی درمورد مرز، سیاست ارتباطی، کنترل آلودگی آب، مهاجرت |
| نظریه سافر | پیوند قومی و نژادی با فراسوی مرز، پیوند دینی و زبانی در دو سوی مرز، پیوند فرهنگی مرزنشینان با مرکز |

منبع: جان‌پرور ۱۳۹۶، حافظ‌نیا و جان‌پرور ۱۳۹۶، هاگت ۱۳۸۲، مارتیز ۱۳۷۳، هاوس ۱۳۶۱، سافر ۱۳۷۳، بلیک ۱۳۷۷، کریمی‌پور ۱۳۸۰.

منطقه مورد مطالعه

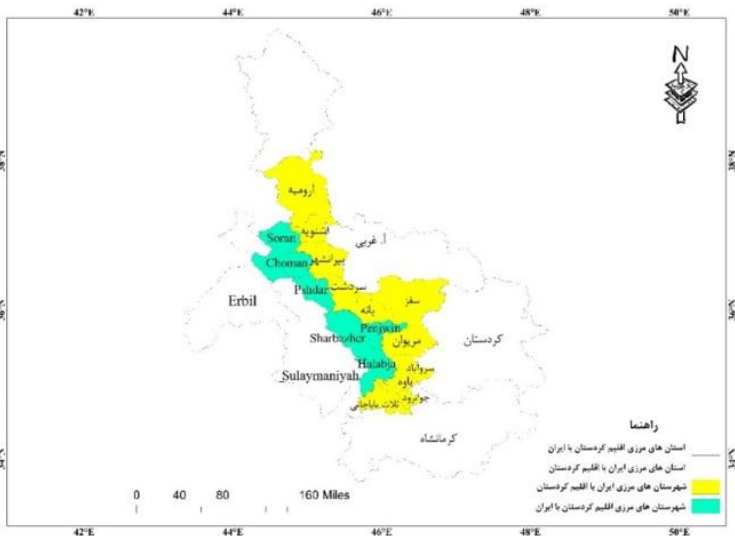
منطقه اقلیم کردستان عراق از نظر اکولوژیکی، زیستگاه و موطن کردها را تشکیل می‌دهد؛ این منطقه مرتفع، بخش‌هایی از غرب و شمال غرب ایران، شرق، جنوب شرق ترکیه، شمال و شمال شرق عراق و سوریه و نیز غرب قفقاز را دربرمی‌گیرد و بر فلات‌ها و سرزمین‌های کم‌ارتفاع اطراف خود مشرف است. محدوده کردنشین‌های غرب آسیا، فضایی تقریبی است میان کوه آرارات به سمت جنوب تا شهرهای ارومیه، سنندج و کرمانشاه در ایران و سپس به سمت غرب تا مندلی و از آنجا به موصل و جزیره در عراق و سپس به سمت غرب تا قامشلو در سوریه و شرق اسکندرون در ترکیه و سپس به سمت شرق تا آرارات امتداد می‌یابد (وان‌بروین سن، ۱۳۷۸: ۲۴). کردها یکی از نژادهای باستانی هستند که در کوهستان‌های همجوار شرقی‌ترین قسمت ترکیه جدید، شمال و شرق عراق و همچنین شمال غرب ایران، برای مدت بیش از ۳ هزار سال می‌زیستند که به‌رغم گذشت مدت زمان طولانی، آنان «زبان، رسوم و فرهنگشان» را تاکنون حفظ کرده اند (اوبالانس^۱، ۱۹۹۶: ۱). اجزای فرهنگ کردستان عراق بیشترین نزدیکی را با فرهنگ ایرانیان دارد؛ از جمله خویشاوندی زبانی و آداب و رسوم و جشن‌نهایی



مانند جشن نوروز که جشن اصلی در منطقه کردستان عراق نیز به‌شمار می‌رود. منطقه اقلیم کردستان عراق (به کردی: هه‌ری‌می کوردستان، Herêmi Kurdistan) یک منطقه خودگردان، در جنوب غربی آسیا واقع شده که از جنوب به دولت مرکزی عراق، از شمال به مرزهای جنوبی کشور ترکیه، از شرق به مرزهای شمال غربی کشور ایران و از غرب به مرزهای شمال شرقی کشور سوریه محدود می‌گردد و مرکز آن اربیل است. کردستان عراق بیش از ۸۶ هزار کیلومتر مربع وسعت دارد (غه فور، ۲۰۰۵: ۱۰۹). در کل ۱۷ درصد از مساحت عراق و ۲۸ درصد از جمعیت عراق را شامل می‌شود (عزتی، ۱۳۸۱: ۳۳۱). سیر تاریخی روابط دو منطقه نشان می‌دهد که از حدود ۱۳۳۰ هجری شمسی دولت‌های وقت ایران و عراق محدودیت‌هایی را در عبور و مرور غیرقانونی از مرزها به‌ویژه در شکل جمعی آن اعمال نمودند. به‌دنبال این سیاست مهاجرت‌ها بین دو مرز تقریباً کنترل و سبب اسکان تابعیت برخی از عشایر کوچ‌رو شد، اما اجرای این سیاست عملاً دستگاه‌های دولتی (اعم از اجرایی و امنیتی)، را در امر کنترل مرزها با مشکلاتی مواجه نمود، به‌نحوی که عدم کارایی این سیاست، نتوانست تردهای انفرادی، مبادلات قاچاق کالا را مانع شود. در این برهه از روابط، اوضاع اقتصادی و ارتباطی هر دو کشور ایران و عراق به‌ویژه وضعیت راه‌های ارتباطی دو کشور به‌نحوی بود که ساکنان مرزی دو طرف صادرات یا واردات از کشور همسایه را آسان‌تر، ارزان‌تر و مقرون‌به‌صرفه‌تر از مبادله با داخل کشور خود ترجیح دهند (قادری و ذوالفقاری، ۱۳۸۵: ۱۵). این دوره که به قبل از پیروزی انقلاب ختم می‌شود، محدود به مبادله کالاهای بومی و مصرفی از قبیل چای، توتون، صابون، البسه بومی، کشمش، خرما، سیگار، برگ سیگار و حبوبات بود. بین شهرهای غربی ایران به‌ویژه در مناطق کردنشین شهرهای سردشت، پیرانشهر، اشنویه، مریوان، بانه و پاوه بیشترین ارتباط و مبادله را با کردستان عراق داشته‌اند. این روند تا سقوط رژیم شاهنشاهی ادامه داشته است. پس از آن با توجه به ماهیت خاص نظام و ارزش‌های انقلاب اسلامی، صادرات و واردات و اصولاً روابط اقتصادی و بازرگانی خارجی تعریف و چارچوب جدیدی پیدا کرد. در این دوره که مصادف با شروع جنگ تحمیلی و مسائل داخلی کردستان ایران بود، نظارت و کنترل قوای نظامی و انتظامی ایران بر بعد اقتصادی مرزهای همجوار با شمال عراق تضعیف شد، به‌نحوی که فصل دیگری در ارتباطات تجاری بین ساکنان دو طرف مرز به‌وجود آمد (کاکالهی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۷).



از ویژگی‌های این دوره ورود بی‌رویه و غیرقانونی کالاهای تولیدی کشورهای آسیای شرقی از طریق کردستان عراق به کشور ایران بود. عمده کالاهای وارده این دوره شامل کالاهایی چون شکر، لوازم خانگی سبک، لوازم صوتی، البسه، چای و بذور محصولات جالیزی بود. اثرات عمده این وضعیت صرف‌نظر از بعد اقتصادی و اختلال در شبکه تولید و توزیع و مصرف داخلی، تضييع حقوق متعلق به دولت را نیز به‌همراه داشته است. پس از پایان جنگ، دولت ایران درصدد بازسازی و نوسازی مناطق آسیب‌دیده برآمد (قادری و ذوالفقاری، ۱۳۸۵: ۱۶). از سال ۱۹۹۳ به‌دلیل کاهش چشمگیر مبادله اقتصادی شمال با دولت مرکزی که در پی جنگ و ناامنی داخلی حادث شده بود و همچنین اعمال حربه ساقط کردن اعتبار اسکناس ۲۵ دیناری توسط دولت بعث که منجر به رکود و ور شکستگی بسیاری از کسبه و تجار ایرانی و عراق شد، بار دیگر مصرف کالاهای ایرانی در منطقه شمال عراق رو به افزایش نهاد. کوچ میلیونی مردم به‌عنوان تبعات جنگ خلیج‌فارس و اجرای عملیات نسل‌کشی کردها توسط رژیم بعث تحت عنوان انفال، سبب اسکان و اقامت بسیاری از مردم شمال عراق در ایران شد. این اقامت‌ها از دیگر زمینه‌های مؤثر در آشنایی بیشتر با فرهنگ و ایجاد انگیزه مصرف کالاهای ایرانی بود، این اثرات و نیاز را می‌توان در شمال عراق مشاهده نمود. استمرار این مبادلات سبب می‌شود که دولت در این مقاطع زمانی با درک موقعیت و فرصت‌های پیش‌آمده درصدد برآید تا مبادلات موجود را قانونمند نماید و در مناطق مرزی کشور مکان‌هایی را تحت عنوان بازارچه‌های مشترک مرزی ایجاد نماید. تشکیل این بازارچه‌ها که در اجرای قانون مقررات صادرات و واردات سال ۱۳۷۲ انجام می‌شود، سیزده استان مرزی کشور را شامل می‌شود. در استان کردستان به‌عنوان یکی از استان‌های مرزی و همجوار با شمال عراق، سه بازارچه مرزی در سطح شهرستان‌های سقز، مریوان، بانه شروع به فعالیت می‌نماید (کاکاللهی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۸). مناطق مرزی بین ایران اقلیم کردستان شامل سه استان کرمانشاه، کردستان و آذربایجان غربی می‌شود. همچنین شهرستان‌های مرزی پاوه، جوانرود، ثلاث آماجانی، سروآباد، سقز، مریوان، بانه، سردشت، پیرانشهر، اشنویه و ارومیه بوده‌اند.



نقشه ۱. مناطق مرزی بین اقلیم کردستان و ایران

روش تحقیق

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از حیث روش گردآوری اطلاعات، توصیفی - تحلیلی است. از آنجاکه در این تحقیق هدف، تبیین و تحلیل عوامل مؤثر بر پایداری همکاری‌های مرزی است، تحقیق موردنظر نیز توصیفی از نوع همبستگی است. برای گردآوری اطلاعات در بخش نظری از روش اسنادی و در بخش میدانی از روش پیمایش مبتنی بر پرسشنامه بهره گرفته شده است. در بخش اول با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای، نظریاتی را که در زمینه تعامل، همکاری و توسعه مناطق مرزی و دوسوی مرز بود احصا (جدول ۱) و در قالب پرسشنامه در اختیار نخبگان محلی که متشکل از ۱۳ نفر کارشناس در زمینه‌های جغرافیایی سیاسی - علوم سیاسی و جامعه‌شناسی بوده‌اند، قرار گرفت و در نهایت نظرات این کارشناسان به صورت جدول ۲ به دست آمد. در مرحله بعد به منظور اولویت‌بندی متغیرهای به دست آمده پرسشنامه‌ای به صورت بسته با طرح این سؤال در مورد هر گزینه که کدام یک از متغیرهای مطرح شده در هر کدام از ابعاد، دارای بیشترین تأثیر در افزایش سطح همکاری بین دو کشور در زمینه مسائل مرزی است. باتوجه به هم‌زمانی تحقیقات میدانی پژوهش حاضر با همه‌گیری شیوع ویروس کرونا در کشور ایران و عراق، امکان حضور فیزیکی برای تکمیل پرسشنامه‌ها از



دسترس خارج و پرسشنامه به صورت الکترونیکی برای جامعه آماری تحقیق که ۶۸ نفر بوده‌اند، ارسال و در نهایت تعداد ۵۱ پاسخ در بازه زمانی دو ماهه از زمان ارسال پرسشنامه، دریافت شده است، در بخش بعدی به منظور تحلیل یافته‌های پرسشنامه از نرم‌افزار SPSS و آزمون آماری فریدمن (باتوجه به ناپارامتریک بودن نتایج کمی پرسشنامه و محدود بودن تعداد پاسخ‌ها) استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

در پژوهش حاضر سعی بر این بوده شاخص‌های تأثیر گذار در تداوم همکاری‌های مرزی را مورد بررسی قرار داده که این شاخص‌ها براساس نظریه‌ها و دیدگاه‌های مرتبط با مرز، فضای بهینه و همکاری مرزی آورده شده است (جدول ۱). براین اساس، شاخص‌های مورد بررسی را در قالب ۶ بعد (سرزمینی، ژئوپلیتیکی، اجتماعی - فرهنگی، سیاسی - حاکمیتی، اقتصادی، امنیتی - دفاعی) طبقه‌بندی کرده و برای هر بعد، شاخص‌های نهایی که به نظر می‌رسد، مؤثرتر هستند (براساس جدول ۱) به صورت ذیل آورده شده است:

عوامل سرزمینی

در کشوری مانند ایران که دارای تنوع اقلیمی و گستره سرزمینی است، توجه به عامل سرزمینی برای توسعه و تداوم همکاری‌های مرزی از اهمیت بسزایی برخوردار است. از آنجاکه سرزمین به عنوان یکی از متغیرهای ثابت ژئوپلیتیکی برای توسعه و برقراری ارتباطات با سایر کشورها محسوب می‌شود، توجه به این عامل به ویژه در مرزهای غربی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند سبب شکل‌گیری و تداوم همکاری‌های مرزی بین دولت مرکزی و اقلیم کردستان شود. ویژگی‌های زمینی این منطقه شامل عواملی بدین شرح است:

ژئومورفولوژی منطقه مرزی: اقلیم کردستان عمدتاً کوهستانی است و بالاترین نقطه آن بالغ بر ۳۶۱۱ متر است که در منطقه چادرسپاه قرار گرفته است. رشته کوه کردستان عراق شامل کوه‌های زاگرس، کوه سنجار، کوه هم‌رین و کوه ناصر است. رودخانه‌های زیادی در این منطقه جریان دارند که به دلیل داشتن سرزمین‌های حاصلخیز، آب فراوان و طبیعت زیبای منحصربه‌فرد هستند. زاب بزرگ و کوچک از شرق به غربی در منطقه جریان دارد و رود دجله از کردستان ترکیه وارد کردستان عراق می‌شود. طبیعت کوهستانی کردستان عراق تفاوت دما



را در بخش‌های مختلفی از آن موجب شده است و بنابراین این منطقه را به منطقه‌ای بکر و منحصربه‌فرد برای کشاورزی و گردشگری تبدیل نموده است. همچنین چندین دریاچه کوچکتر مانند دریاچه دربندیخان و دریاچه دهوک وجود دارد که بر حاصلخیزی و تنوع منطقه افزوده است. مجموعه این شرایط در صورت بهره‌برداری درست و منطقی از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های موجود در منطقه به‌ویژه رد بخش کشاورزی می‌تواند بر همکاری مرزی بین دوسوی مرز به‌صورت مؤثری ایفای نقش نماید.

پیوستگی طبیعی با فراسوی مرز: کردستان از منظر ساختار طبیعی محل اتصال سه منطقه فلات قفقاز، فلات ایران و فلات شبه‌جزیره عربستان می‌باشد. بنابراین، توجه به این موضوع می‌تواند علاوه بر تداوم همکاری‌های مرزی بین دو منطقه سبب گشایش ارتباطات و تعاملات و همچنین حوزه نفوذ بر سه فلات موردنظر و کشورهای موجود در آنها شود. توجه به این بعد در سیاست‌های مرزی دو کشور باتوجه به اشتراکات و اتصالات قابل‌تأمل می‌تواند زمینه را برای گسترده‌تر نمودن همکاری‌ها فراهم آورد.

موقعیت گذرگاهی: کردستان در مسیر راه‌های ارتباطی مهمی واقع شده است. در دوره هخامنشی، جاده سلطنتی داریوش از شوش به ساردیس از مسیر اربیل در خاک کردستان عبور می‌نمود. بعدها کردستان در مسیر جاده ابریشم قرار گرفت و تمامی راه‌های ارتباطی اصلی از شرق به غرب تا زمان گسترده‌تر شدن مسیرهای دریایی در قرن ۱۵ میلادی از این منطقه عبور می‌نمود. در طول قرن‌های متمادی نیز کردستان به‌عنوان مسیر زمینی برای دسترسی به امپراتوری بریتانیا در شبه‌قاره هند مورد توجه بود (Kreyenbroek, 1992: 265). در دوره کنونی، نیز بسیاری از راه‌های ارتباطی زمینی و هوایی که از عراق به ترکیه و سپس به اروپا منتهی می‌شود، از مناطق کردنشین عبور می‌نماید. همچنین در زمینه صادرات نفت قسمت‌های شمالی این منطقه به سمت بازارهای مصرف اروپا در دریای سیاه متصل شده است و قسمت اعظمی از نفت این منطقه از طریق خطوط لوله از منطقه کردنشین عبور می‌کنند. این منطقه دارای ویژگی‌های ارتباطی همچون برقراری ارتباط با ترکیه از طریق اروپا، صادرات نفت به بازارهای مصرف اروپایی در دریای سیاه و مدیترانه و در نهایت روابط تجاری ترکیه و واردات کالاهای ضروری از این طریق بیان نمود.



عوامل ژئوپلیتیکی

در مطالعات مرتبط با جغرافیای سیاسی، موقعیت نسبی تعیین کننده واحدهای سیاسی - فضایی و نوع عملکرد و کارکرد ژئوپلیتیکی آنها از اهمیت بسزایی برخوردار است. موقعیت ژئوپلیتیک، نشان دهنده موقعیت بری و بحری بودن واحدهای سیاسی - فضایی، ترانزیتی بودن آنها، ایستایی یا پویایی و متحرک بودن موقعیت ژئوپلیتیک در برقراری تعاملات و کنش‌های قدرت بین کشورها از اهمیت برخوردار است. به گونه‌ای که این موقعیت تا میزان قابل توجهی نشان دهنده فعالیت هر واحد سیاسی - فضایی در مقیاس‌های مختلف جغرافیایی و کارکردهای مکانی - فضایی آنها می‌باشد. یافته‌های موجود بیانگر این موضوع است که هر موقعیت ژئوپلیتیکی، از کدهای مخصوص به خود نیز برخوردار است و کشورها بر پایه آنها به تدوین سیاست‌ها و راهبردهای مرتبط با این امر عمل می‌کنند. در کشوری مانند ایران که دارای تنوع اقلیمی و گستره سرزمینی است، توجه به عامل سرزمینی برای توسعه و تداوم همکاری‌های مرزی از اهمیت بسزایی برخوردار است. از آنجاکه سرزمین به‌عنوان یکی از متغیرهای ثابت ژئوپلیتیکی برای توسعه و برقراری ارتباطات با سایر کشورها محسوب می‌شود، توجه به این عامل به‌ویژه در مرزهای غربی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند سبب شکل‌گیری و تداوم همکاری‌های مرزی بین دولت مرکزی و اقلیم کردستان شود.

تنگنای ژئوپلیتیک: اقلیم کردستان عراق جزء مناطقی است که دارای وابستگی ژئوپلیتیکی است و به دلیل عدم دسترسی به دریاهای آزاد در راستای به فروش رساندن منابع نفتی خود با مشکلات متعددی روبه‌روست و از وابستگی شدید جغرافیایی و ژئوپلیتیکی رنج می‌برد. بنابراین، این منطقه برای خروج از این انزوای ژئوپلیتیکی ناچار به برقراری روابط با همسایگانی همچون جمهوری اسلامی ایران است (زیباکلام، ۱۳۹۰: ۶۱). در واقع اقلیم کردستان دارای گزینه‌های محدودی برای صادرات نفت است و تنها راه انتقال آن ایران و ترکیه است (باقری، ۱۳۹۲: ۱۵۳). بنابراین، ایران می‌تواند از این عامل برای برقراری ارتباطات و تعاملات مرزی در راستای رسیدن به اهداف و منافع ملی و منطقه‌ای خود بهره‌برداری نماید و همکاری‌های مرزی را در چارچوب این ویژگی ژئوپلیتیکی اقلیم کردستان قرار دهد و از طریق ایجاد زیرساخت‌ها و زیربناهایی برای خطوط انتقال انرژی بازار مناسبی در سطح ملی و منطقه‌ای فراهم آورد و سودهای کلانی



را نیز از این طریق عاید خود سازد.

نقش قدرت‌های فرمانطقه‌ای در اقلیم کردستان عراق: امریکا قادر نبوده است تا سیاست واحد و منسجمی را در برابر کردهای عراق به ثمر برساند. از سوی دیگر، امریکا با یاری‌رساندن به استقلال کردها در عراق، قادر است تا موقعیت رژیم صهیونیستی در منطقه را بهبود دهد و با بهره‌گیری از توانایی کردها و ایجاد شرایط ناامن در منطقه حضور خود را برای تأمین اهداف و منافع سلطه‌گرایانه تداوم بخشد. اما حفظ توازن قوا در عراق بین گروه‌های سه‌گانه کرد، شیعه و سنی، نگرانی ارتباط با قدرت‌گیری شیعیان در عراق و حضور و نفوذ برای بازیگران رقیب و متعارض منطقه‌ای از دیگر منافع راهبردی اقلیم کردستان برای امریکا محسوب می‌شود. همچنین حمایت امریکا از کردهای عراق دلیل مهمی برای ایجاد نارضایتی و شکاف بین دو کشور امریکا و متحد اصلی خود یعنی ترکیه می‌باشد. امریکا در دو دوره زمانی خاص سقوط صدام و ظهور داعش، به کردستان عراق کمک‌های منحصر به فردی داشته است. زیرا با حمایت امریکا بود که کردها قادر شدند تا سطحی از خودمختاری را به دست آورند و در قدرت ملی عراق به‌عنوان عنصری قابل توجه و تأثیرگذار شرکت نمایند و در قانون اساسی اختیارات خاصی را به دست آورند (شیاری، ۱۳۹۸).

نقش قدرت‌های منطقه‌ای در اقلیم کردستان عراق: در ارتباط با ایران می‌توان بیان نمود که ایران بعد از جنگ جهانی دوم، با کردستان تنش‌ها و کشمکش‌های قابل توجهی را تجربه نموده است و به‌صورت پیوسته از کنش‌های بیگانگان در مناطق کردنشین منطقه ابراز نگرانی نموده است. اگرچه مناطق کردنشین ایران در مقایسه با سایر مناطق کشور و میانگین سطح توسعه ملی جزء مناطق محروم و کمتر توسعه‌یافته‌اند، اما علی‌رغم چنین شرایطی می‌توان مشاهده نمود که کردهای ایران در مقایسه با کردهای ترکیه و عراق، گرایش‌های مرکزگریزی کمتری دارند. بسیاری از کارشناسان علت این واقعیت را ایرانی‌بودن کردها و یکسان‌انگاری فرهنگ آنها با سایر ایرانیان می‌دانند (کریمی‌پور، ۱۳۸۰: ۳۹). بنابراین، موضوع کردهای ایران بیش از آنکه دارای چالش‌های داخلی باشد، تحت تأثیر تحولات خارجی و نقش‌آفرینی قدرت‌های منطقه‌ای یا فرمانطقه‌ای قرار گرفته است. البته تلاش قدرت‌های خارجی زمانی مؤثر واقع خواهد شد که گفتمان مرکز نسبت به مطالبات قومیتی کردها (اقتصادی، مذهبی و سیاسی) بی‌توجه باشد.



باتوجه به چنین شرایطی هرگونه تحرکات قومیتی در آن سوی مرزهای ایران، مورد توجه جدی کشور قرار می‌گیرد. این موضوع زمانی حائز اهمیت می‌شود که تمامی احزاب و گروه‌های مخالف کرد ایرانی در قلمرو حکومت ناحیه‌ای کردستان عراق قرار گرفته‌اند و آزادانه به فعالیت سیاسی و به‌خصوص رسانه‌ای علیه نظام جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند. تعدادی از این گروه‌ها همچون پژاک به اقدامات مسلحانه علیه ایران اقدام می‌کنند. بنابراین، ایران دخالت در این منطقه را بیشتر با دید امنیتی و نظامی مدنظر قرار داده است و این عامل موجب شده است تا از ظرفیت‌های دیگر این منطقه دور شود و نتوانند روابط سازنده و مناسبی را برای گسترش تعاملات در سطح ملی و منطقه‌ای داشته باشد.

در ارتباط با ترکیه می‌توان بیان نمود که هرچند سیاست دولت ترکیه از زمان تأسیس بر محور انکار هویت کردی قرار داشته است، اما بعد از تشکیل دولت جدید عراق و نفوذ کردها رویکرد خود را تغییر داده و سیاست انعطاف‌پذیرتری را پیش گرفته است. ترکیه از یک سو قصد ندارد تا از منفعت اقتصادی که از روابط با اقلیم عراق به دست می‌آید دوری کند و از طرف دیگر به سبب ترس از تهدیدات امنیتی کردها باتوجه به جمعیت بالایشان در ترکیه و تأثیر قابل توجه استقلال کردستان عراق در مناطق کردنشین این کشور به شدت مخالف استقلال آن می‌باشد. از این جهت ترکیه همه‌پرسی استقلال کردستان عراق را نادیده گرفت و با آن به مخالف پرداخت. از دیگر موارد نگرانی ترکیه علاوه بر k.k.p موضوع کرکوک است. ترکیه بر این اعتقاد است که حکومت اقلیم با جابه‌جانی کردها به کرکوک به دنبال تغییرات قابل توجه در ترکیب جمعیتی به نفع کردها و به ضرر ترکمن‌ها و اعراب است؛ زیرا ترکیه اعتقاد دارد مسلط شدن کردها بر منابع نفتی کرکوک موجب تقویت اقتصادی اقلیم عراق گشته و این امر اقدامات استقلال طلبانه را به دنبال خواهد داشت (زیباکلام و عبدالله پور، ۱۳۹۰: ۶۶). بنابراین، ترکیه اقدامات گسترده‌ای را برای افزایش نفوذ و سلطه خود در راستای خنثی نمودن استقلال کردستان عراق انجام می‌دهد و به عنوان یک مهره اصلی در برابر سیاست استقلال طلبی و قدرت طلبی کردهای منطقه قرار گرفته است که اقدامات اردوغان در سرکوب کردها نمود بارزی از این موضوع است.

سیاست رژیم صهیونیستی در برابر کردها بر پایه منافع راهبردی این رژیم قرار گرفته است، نه بر پایه به اصطلاح دفاع از حقوق اقلیت‌ها. هدف اصلی رژیم



صهیونیستی از دنبال نمودن این سیاست، پیدایش کانون نوینی از بحران در منطقه است. رژیم صهیونیستی بر این اعتقاد است با حمایت و ایجاد کشوری مستقل برای کردها در شمال عراق، تعادل ژئوپلیتیکی بهتری به نفع این رژیم در شمال خاورمیانه ایجاد خواهد نمود. ازسوی دیگر، قدرت چانه‌زنی اعراب با رژیم صهیونیستی به دلیل شکل‌گرفتن کشوری غیرعرب در غرب آسیا که دارای تنش‌ها و اختلافات تاریخی با اعراب است و از ظرفیت رابطه خوب با رژیم صهیونیستی برخوردار می‌باشد، کاسته خواهد شد. رژیم صهیونیستی قادر است تا با تجزیه عراق تهدیدات علیه خود را بکاهد و به برهم‌زدن موازنه قدرت در منطقه به نفع خویش اقداماتی انجام دهد. همچنین رژیم صهیونیستی به دنبال این است با شکل‌دادن به گروه‌های شبه‌نظامی بین کردها، از این عامل به‌عنوان اهرم فشار علیه ایران استفاده کند. به‌موازات آن، رژیم صهیونیستی نیز سعی دارد تا با تشکیل حکومت مستقل کرد زنجیره بین شیعیان را که از پاکستان تا لبنان امتداد دارد، از میان بردارد و با دامن‌زدن به اختلافات فرقه‌ای و قومی در منطقه از قدرت چانه‌زنی برای حل‌وفصل مشکلات به نفع خود استفاده کند (معین‌الدینی، ۱۳۸۵: ۱۳۸).

عوامل اجتماعی - فرهنگی

در سده‌های گذشته به امنیت با توجه به محتوای جغرافیایی و سیاسی منطقه اغلب با نگاه نظامی و کلاسیک نگریسته می‌شد و همچنین پیشرفت و توسعه واحدهای سیاسی را نگرشی محدود و یک‌سویه برابر با تداوم رشد اقتصادی در نظر داشتند. اما توسعه پایدار، مفهومی گسترده‌تر و فراتر از رشد اقتصادی و همچنین نگاه نظامی به مناطق مرزی می‌باشد. کشورهایی همچون ایران که دارای اقوام گوناگون در ترکیب جمعیتی خود هستند، چگونگی هویت ملی، وحدت ملی، همگرایی و واگرایی بین اقوام جزو موضوعات بسیار مهم محسوب می‌شود که به‌عنوان یک ابزار فشار علیه حکومت نیز می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. اما نباید به اقوام تنها با دید تهدیدمحور نگریسته شود. بلکه می‌توان از وجود آنان به‌عنوان عاملی فرصت‌آفرین در راستای رشد و توسعه مناطق مرزی بهره‌برداری نمود. در واقع عوامل اجتماعی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مؤثر بر جامعه‌پذیر نمودن افراد و ایجاد گرایش‌ها و امکانات مورد نظر برای حضور در فعالیت‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی که در راستای کنش‌های متقابل اجتماعی شکل می‌گیرد، مورد توجه قرار دارد. با توجه به اینکه نواحی مرزی به‌ویژه مرزهای غربی کشور دارای شرایط



اجتماعی و فرهنگی منحصر به فردی می‌باشند و از سوی دیگر ارتباطات و تعاملات گسترده فرهنگی و اجتماعی، اشتراکات مذهبی، قومی و... سبب شده است تا نوعی کشش و جاذبه بین این مناطق با فراسوی مرزها که گستره فرهنگی تمدنی مشترک با منطقه مرزی در داخل از کشور هستند، برقرار شود.

زبان مشترک دو سوی مرز: زبان به‌عنوان یک عامل مهم و قابل توجه برای برقراری ارتباطات بین افراد و گروه‌های قومی محسوب می‌شود که پیوند دهنده و منسجم کننده جوامع انسانی است. زبان، سبب تمایز یک گروه از گروه دیگر شده و تغییرات و تحولات فضایی را پدید می‌آورد (هاگت، ۱۳۸۳: ۱۸). در این بین، زبان کردی منبع هویت بخش و منحصر به فردی برای مردم این منطقه محسوب می‌شود (احمدی، ۱۳۷۹: ۸۱). کردهای ایران و عراق دارای زبان مشترکی هستند که بر پایه فرهنگ و تمدن ایران قرار گرفته است. طبیعی، بر این باور است که «زبان کردی که امروز مردم بسیاری از ساکنان نواحی غربی و شمال غرب و جنوب غربی و طوایفی در شمال و مشرق ایران و مردمی در شمال و مشرق ترکیه، عراق، قسمتی از سوریه و عشایری در قفقاز به آن تکلم می‌کنند، بدون شبهه از زبان‌های هند و ایرانی و یکی از شاخه‌های زبان فارسی است» (طیبی، ۱۳۶۶: ۱۸). بنابراین، این عامل می‌تواند به‌عنوان عاملی مهم برای برقراری ارتباطات مرزی بین دو منطقه در نظر گرفته شود.

مذهب مشترک دو سوی مرز: رشید یاسمی، دین را یکی از عوامل پیوستگی کرد و ایران می‌داند و می‌نویسد: «حتی، اگر عوامل مشترک دیگری، مانند: نژاد، زبان، تاریخ و... دردست نبود، از روی همین آثار دینانی می‌توانستیم، به‌طور قطع طایفه کرد را از شعب ایرانی بدانیم. صرف‌نظر از اینکه بیش از هزار سال است تمام ایران و کردستان، دین اسلام دارند و از این حیث یگانگی تام حاصل است، قبل از اسلام هم آئین کردستان از فروع دین رسمی ایران بوده است، چنانکه هنگام حمله عرب، آتشکده پاره معروفیت داشته است» (رشید یاسمی، ۱۳۶۳: ۱۱۹). بنابراین، به‌درستی می‌توان اشتراکات دینی و مذهبی بین دو منطقه را مشاهده نمود که در توجه به این عامل باعث پیوستگی مذهبی شده و می‌تواند به‌عنوان عاملی مهم در تداوم همکاری‌های مرزی مورد استفاده قرار گیرد.

ارزش تاریخی منطقه مرزی: آثار باستانی بسیاری از تمدن ایرانی در کردستان عراق کشف شده است که بر پیوند بنیادی این منطقه با حوزه تمدنی و فرهنگی



ایران زمین تأکید دارد. جهت پرهیز از اطاله کلام، به چند مورد از این آثار به نقل از کتاب: کردها، ترک‌ها، عرب‌ها بسنده شده است. مؤلف این کتاب که مدتی مسئولیت اداره باستان‌شناسی عراق را نیز برعهده داشته است، اطلاعات دست‌اول قابل توجهی را که محصول بررسی و مشاهده مستقیم خود وی بوده است، نقل کرده است: برج مخروطه «پایکولی» (بنای اصلی ویران شده و آنچه از آن بازمانده، توده سنگ و ساروجی است که بخش شمالی آن مرتفع‌ترین قسمت آن است و بلندی آن حدود دوازده پا است؛ اما دامنه پوشیده از تخته سنگ‌های تراشیده‌ای است که بر بسیاری از آنها نوشته‌هایی به زبان پهلوی نقش شده است.)، کروکچ (پروفسور سیدنی اسمیت، در نوشته‌ای براساس تحلیل باستان‌شناسان از هزاران لوح میخی کشف‌شده در کرکوک می‌نویسد: «در اوایل سده پانزدهم م. اتحادیه‌ای از سلاطین تشکیل شد و نام‌هایی داشتند که شکل اولیه سانسکریت بود و شاید بهتر این باشد، آن را «هندوایرانی» نام کنیم... جالب این است که وقتی کیاخشارش مادی در آخرین جنگش با نینوا (۶۱۲ - ۶۱۷ ق.م) با نبوپالسر متحد شد، نخستین حمله‌اش بر ارفه (منطقه کرکوک) بود. تاریخ اولیه استان کرکوک از بسیاری جهات مشابه با نقشی بوده است که این استان در کشمکش‌های بین سلاطین عثمانی و شاهان ایران داشته است». بخش عمده‌ای از آثار موزه سلیمانیه، گنج‌بری‌های دوره ساسانی و اشکانی است. وجود آثار متعدد دیگر در دوره اسلامی، دوره صفوی و حتی قاجاریه نشانه پیوستگی فرهنگی این بخش با سایر نقاط ایران است (پیشگاهی‌فرد، ۱۳۹۴).

عوامل سیاسی - حاکمیتی

با مطالعه تاریخ می‌توان مشاهده نمود که حوادث متعدد تاریخی که ناشی از تغییرات مرتبط با حکومت‌ها و سیاست‌های اعمالی از سوی آنان در مناطق مرزی بوده است، توانسته است به صورت مستقیم بر احزاب و جنبش‌های سیاسی تأثیرات قابل توجهی داشته باشد. در منطقه غرب کشور هم می‌توان بیان نمود که هرگونه تغییر رژیم و حاکمیت و تأثیر حزبی و تشکیلاتی حاکمیتی در کشورهای همسایه به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر مناطق مرزی تأثیرگذار بوده است. به‌عنوان مثال در عراق، مناطق کردنشین شامل مناطق شمالی و شمال شرقی و استان‌های دهوک، اربیل و سلیمانیه می‌شود که با استان‌های آذربایجان غربی و کردستان با اربیل و سلیمانیه دارای مرز مشترک است. کردهای این کشور از زمان



استقلال عراق از دولت عثمانی در سال ۱۹۲۰ هم‌راستا و هماهنگ با کردهای ترکیه و ایران به‌دنبال یافتن هویتی مستقل از حکومت‌های مرکزی عراق بوده‌اند. در همین‌راستا بعد از پایان جنگ جهانی دوم «ملا مصطفی بارزانی» تلاش خود را برای ایجاد جنبش خودگردانی کردستان عراق ادامه داد. جنگ ایران و عراق نیز به بازخیزی جنبش‌های کردی در شمال عراق در قالب احزاب دمکرات و اتحادیه میهنی کردستان کمک کرد. در پی اشغال کویت توسط عراق در سال ۱۹۹۰ و به‌دنبال آن اتحاد نیروهای ائتلاف بین‌المللی به رهبری امریکا که باعث خروج عراق از کویت در سال ۱۹۹۱ شد؛ سبب احیای کردهای شمال عراق شد و در سال ۱۹۹۱ با خیزش خود، شهر کرکوک را آزاد نمودند (حافظنیا، ۱۳۸۶: ۱۸). بنابراین، تشکیل حکومت کردی در شمال عراق با حمایت قدرت‌های فرامنطقه‌ای و دولت عراق، این منطقه را به آرمانشهر ایدئولوژیک و اکولوژیک اقلیت کرد ساکن در قلمروهای سیاسی استان‌های شمال غرب و غرب تبدیل کرده است. بنابراین، گروهی از کردهای ساکن این مناطق در جهت دستیابی به اکولوژیک مشابه در سرزمین ایران و بهبود شرایط و کیفیت زندگی خود به تبیین الگوهای رفتاری تحت نظام خاصی پرداختند. بنابراین، نوع نظام‌های سیاسی و سیاست‌های اعمال‌شده از سوی آنان می‌تواند نقش بسزایی در همکاری یا ایجاد تنش و بحران در این منطقه داشته باشد. عواملی همچون:

ایدئولوژی و راهبردهای دو کشور هم‌مرز: بسیاری از رهبران اقلیم کردستان مهاجران ساکن در اروپا و امریکا بوده‌اند که دارای رویکردی مبتنی بر گسترش روابط بر مبنای لیبرالیسم اقتصادی و سیاسی می‌باشند (کاوایی راد، ۱۳۸۹: ۲۰۴). بنابراین ایدئولوژی موجود در این منطقه مبتنی بر لیبرالیسم و تکثر سیاسی و انتقال مسالمت‌آمیز قوای سه‌گانه است (بیلدیز، ۱۳۹۱: ۳۰۴). این عامل می‌تواند در راهبردهای سیاسی دو کشور و نگرش آنها بر مرز و همکاری‌های مرزی تأثیرات شایان توجهی داشته باشد. از آنجاکه لیبرالیسم تأکید بر مشروعیت سیاسی در راستای عدالت و انصاف دارد، می‌تواند به‌عنوان عاملی برای همگرایی مرزی بین دو کشور محسوب شود، زیرا جمهوری اسلامی ایران نیز دارای ایدئولوژی مبتنی بر این مقتضیات می‌باشد که می‌تواند در راستای یکدیگر قرار گیرند و منابعی را برای حل و فصل نمودن مسایل برخاسته از چندگرایی و تنوع ویژه جوامع در این منطقه در نظر گیرد.



سیاست خارجی دو کشور نسبت به یکدیگر: همه‌پرسی در کردستان عراق از جمله وقایعی بود که راهبرد اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را در برابر این اقلیم تعیین نمود. این موضوع برای سیاست خارجی ایران از سه منظر دارای اهمیت است. در بعد داخلی ایرانی - عراقی، منطقه‌ای و بین‌المللی. در سطح داخلی جمهوری اسلامی ایران از تأثیرات منفی این اقدام و تشدید گرایش‌های جدایی‌طلبانه که بر تنش‌های ملی گرایانه قوم کرد تأثیرات منفی دارد، نگران بودند. در بعد امنیت داخلی عراق نیز می‌توان به این نکته اشاره نمود که تجزیه کردستان عراق امکان چندپاره‌شدن عراق و تجزیه مناطق سنی‌نشین را به دنبال داشته باشد که می‌تواند حوزه نفوذ رقبای ایران را در برابر نیروهای عربگرا و سنی‌مذهب کاهش دهد و درنهایت در بعد منطقه‌ای رژیم صهیونیستی از تأسیس دولت کردی حمایت نمود که جمهوری اسلامی ایران نگران اجرایی‌شدن این طرح در منطقه شمال عراق بود؛ زیرا رژیم صهیونیستی با حمایت عمومی خود از همه‌پرسی می‌تواند بر حضور نیروهای ایران و حزب‌الله لبنان در منطقه پایان دهد (Nadimi, 2017). در بعد بین‌المللی نیز بدگمانی‌های ایران نسبت به آمریکا و سیاست این کشور در عراق سبب بروز نگرانی در جمهوری اسلامی ایران شده است. بنابراین، می‌توان ملاحظه نمود که نوعی نگرانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال اقلیم کردستان وجود دارد که می‌تواند به‌عنوان عاملی مهم و تأثیرگذار بر کاهش مراودات مرزی بین دو منطقه عمل نماید. زیرا با دارا بودن نگاه امنیتی و بدبینانه نسبت به یکدیگر نمی‌توان انتظار داشت که همکاری در سطح خرد و کلان شکل گیرد.

نوع نظام سیاسی: حکومت اقلیم کردستان از منظر صوری ترکیب‌شده از مؤلفه‌هایی گوناگون نظام حکومتی می‌باشد. مهم‌ترین و بارزترین نوع ترکیب ساختار این حکومت، وجود نهادها و عناصر مدرن بر نهادها و عناصر سنتی و به‌عبارتی جدایی دین و سیاست از هم در هیأت کلی آن می‌باشد. مهم‌ترین شاخص‌ترین عناصر مدرن در حکومت منطقه‌ای کردستان که از یک سو بازتاب ضرورت‌ها و نیازهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه امروزی کردستان در روند تکاملی آن است و از سوی دیگر منعکس‌کننده فرهنگ سیاسی مردم کردستان است، عبارتند از: پارلمان، رئیس منطقه، هیئت وزیران، رسانه‌ها، پلیس و نیروی نظامی و فرایندهای سیاسی و دموکراتیک. حکومت منطقه‌ای



کردستان همچنین ترکیبی از عناصر الگوهای حکومتی مختلف در نظام‌های غیر متمرکز را در فرایندهای تفویض و کسب قدرت سیاسی و جایگاه کارکردی عناصر ساختاری نظام سیاسی به‌نمایش می‌گذارد. در واقع، در ساختار این حکومت، عناصر فرایندی پارلمان، دموکراسی، تمرکز زدایی، کثرت‌گرایی، جامعه مدنی و... مشاهده می‌شود که هر کدام به نوعی از نظام‌های سیاسی تعلق دارند (قربانی‌نژاد، ۱۳۹۸: ۲۶۴). بنابراین، وجود ترکیبی از این عوامل می‌تواند باعث ایجاد تشابهاتی با نوع حکومت و نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران باشد و بر روند همکاری مرزی بین دو کشور به‌عنوان مؤلفه‌ای میانجی عمل نماید.

عوامل اقتصادی

امروزه اقتصاد و تجارت به‌عنوان محرک رشد و توسعه به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه شناخته می‌شود. توجه به عوامل اقتصادی در مناطق مرزی باعث ایجاد نوعی اعتماد و کاهش تنش‌های مرزی می‌شود. مشکلی که جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با مرزهای سیاسی و مشترک خود با همسایگان به‌ویژه در غرب کشور دارد، توجه به بعد امنیتی و نظامی می‌باشد و همواره در تلاش هستند تا از درآمدهای موجود برای تهیه تسلیحات نظامی در راستای برخورد با عوامل تنش‌آفرین در این مرزها شوند. یافته‌های بسیاری از صاحب‌نظران، بیانگر این موضوع است که یک نوع رابطه مستقیم بین گسترش مبادلات تجاری میان دو کشور همسایه و کاهش تنش‌ها و درگیری‌های نظامی و سیاسی وجود دارد. در واقع تبادلات و تعاملات تجاری یکی از عوامل اصلی برای ارتقا بخشیدن به مناطق مرزی غرب کشور و تداوم همکاری‌های مرزی با اقلیم کردستان محسوب می‌شود که از سوی دیگر سبب خلق نوعی مزیت نسبی در این منطقه می‌شود؛ عواملی همچون: موقعیت ژئواکونومیک: اقلیم کردستان با دارا بودن منابعی که در حدود ۵۰ درصد از حوزه‌های نفتی و گازی عراق را شامل می‌شود، از منظر ژئوپلیتیک انرژی دارای اهمیت بسزایی می‌باشد (احمدی، ۱۳۸۴: ۷۱). با توجه به آخرین آمارهای رسمی، ۵ درصد از منابع نفتی جهان که حدود ۶۰ میلیارد بشکه می‌باشد، در اقلیم کردستان عراق قرار دارد. طبق اعلام وزیر منابع طبیعی و نفت و گاز اقلیم کردستان (آشتی هورامی) در سال ۲۰۱۰م (۱۳۸۹ش)، به‌همراه فعالیت‌های گسترده شرکت‌های نفتی بین‌المللی در منطقه کردستان عراق، برآوردهای جدید از میزان ذخایر این منطقه حاکی از وجود حداقل ۴۵ میلیارد بشکه نفت خام و



بین ۳ تا ۶ میلیارد مترمکعب گاز است. مقامات اقلیم کردستان اعلام کرده‌اند که ظرفیت تولید نفت خام خود را به ۱ میلیون بشکه در روز طی ۵ سال آتی افزایش خواهد داد. در حال حاضر شرکت‌های نفتی از کشورهای مختلف آمریکا، کانادا، کره جنوبی، ترکیه، نروژ، انگلیس، اتریش، مجارستان، هند، امارات متحده عربی، روسیه، چین و سوئیس در منطقه کردستان عراق فعالیت می‌نمایند که از لحاظ تعداد، شرکت‌های امریکایی و کانادایی بیشترین حضور را در فعالیت‌های نفتی منطقه کردستان عراق دارا می‌باشند (نیک‌فر، ۱۳۹۴). بنابراین، توجه به این عامل می‌تواند از سوی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان سیاستی پایه و مهمی در راستای افزایش همکاری‌هایی اقتصادی در چارچوب ذخایر و منابع نفت و گاز با توجه به ویژگی‌های مشترک بین دو منطقه مورد توجه قرار گیرد.

سطح توسعه در دو طرف مرز: بخش عمده درآمد اقتصادی کشور ایران از نفت و گاز تأمین می‌شود. تا سال ۲۰۱۱ ایران دارای ۱۳۷ میلیارد بشکه ذخایر نفت و ۱۰۴ تریلیون فوت مکعب گاز است؛ ولی به دلیل کمبود سرمایه‌گذاری خارجی در استخراج نفت و گاز، توسعه لازم در این زمینه صورت نگرفته است. مشکلات اقتصادی که در نتیجه ترکیبی از واپایش قیمت‌ها و یارانه‌ها به‌ویژه در بحث مواد غذایی و انرژی است، باعث سنگینی اقتصاد شده و موانع زیادی، سبب تضعیف رشد بخش خصوصی در ایران شده است. صندوق بین‌المللی پول تورم ایران در سال ۲۰۱۱ را ۲۲/۵ درصد پیش‌بینی و نرخ رشد ایران را ۲/۵ درصد اعلام کرد که این نرخ رشد بسیار کمتر از نرخ رشد جهانی و منطقه‌ای است. برابر اعلام مرکز آمار ایران نرخ بیکاری در ۷ استان کشور تک رقمی و در ۲۳ استان دیگر دورقمی بوده است. رشد فرصت‌های شغلی و تعداد کل شاغلان در استان‌های کشور مناسب نبوده و به‌طور مثال در استان کردستان تعداد کل شاغلان در سال ۱۳۸۸، ۴۳۱،۴۳۱ نفر و در سال ۱۳۹۱، ۲۷۳،۴۲۹ نفر و در استان کرمانشاه تعداد شاغلان در سال ۱۳۸۸، ۶۹۸،۵۴۸ نفر و در سال ۱۳۹۱، ۶۶۷،۵۹۰ نفر اعلام شده است که با توجه به رشد جمعیت در این استان‌ها فرصت‌های شغلی کافی ایجاد نشده است. همچنین درآمد سرانه استان کردستان ایران در رده ۲۷ استان‌ها قرار دارد. در اقلیم کردستان عراق ۴۵ میلیارد بشکه نفت خام وجود دارد. در سال‌های اخیر مسئولان اقلیم با افزایش ارتباط با کشورهایی همچون ترکیه، رژیم صهیونیستی، آمریکا و... قراردادهای نفتی زیادی منعقد و شرکت‌های نفتی متعددی را مانند



اکسون موبیل آمریکا، جنرال انرژی ترکیه، گلف کیستون و آنگو از انگلیس را به اقلیم آورده‌اند. در حال حاضر بیش از ۵۰ شرکت نفتی از ۱۹ کشور مختلف در این منطقه فعال و در نظر دارند ظرفیت تولید روزانه نفت خود را تا سال ۲۰۱۹ به دو میلیون بشکه در روز برسانند (نصری، ۱۳۹۲). بنابراین، سطح توسعه متفاوتی را در منطقه مشاهده می‌کنیم که می‌تواند بر میزان مراودات منطقه‌ای از تأثیرات قابل توجهی برخوردار باشد.

ساختار اقتصادی: ساختار اقتصادی این منطقه به صورتی است که سبب جذب سرمایه گذاری خارجی به میزان بسیار زیادی شده است. به طوری که در ۵ سال گذشته ۱۷ میلیارد دلار سرمایه خارجی در پروژه‌های مختلفی همچون کارخانه‌های سیمان تا مراکز خرید سرمایه گذاری شده است. علاوه بر این پیش بینی شده است که تجارت دوجانبه این منطقه با کشورهای هم‌چون ترکیه از ۶ میلیارد دلار به ۲۰ میلیارد دلار در چهار سال آینده برسد (El Gamal, 2010). ذکر این نکته لازم و ضروری است که دوسوم از بنگاه‌های خارجی در منطقه کردستان عراق حضور دارند و ترکیه از طریق قدرت نرم خود همچون فرهنگ، آموزش و تجارت توانسته است تا بیشترین میزان صادرات و سرمایه گذاری را در این اقلیم به خود اختصاص دهد (Aqraqi, 2011). واقعیتی که باید به خاطر داشته باشیم این است که جمهوری اسلامی ایران با توجه به تحریم‌های گسترده بین‌المللی در عرصه سرمایه‌گذاری خارجی دارای ساختار اقتصادی بسیاری ضعیفی است و برای برون‌گشت از این مشکل باید تلاش نماید تا از طریق برقراری تعاملات و ارتباطات با کشورهای هم‌چون اقلیم کردستان که مورد توجه بسیاری از سرمایه‌گذاران به دلیل ظرفیت‌های اقتصادی بالقوه و بالفعل هستند، پویاتر عمل نماید تا از این طریق بتواند مجرای برای خروج از انزوای اقتصادی پیدا نماید.

عوامل امنیتی - دفاعی

منطقه مرزی غرب و شمال غرب کشور دارای موقعیت منحصر به فردی است. این منطقه تحت تأثیر سیاست‌های متضاد و متفاوت حکومت‌های مرکزی و همچنین سیاست‌های ناشی از حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای که به دنبال مبارزه با افراط‌گرایی و تروریسم بوده‌اند، روبه‌روست. به عنوان مثال می‌توان بیان نمود که در سال‌های بعد از یازده سپتامبر، مداخلات فرامنطقه‌ای در غرب آسیا گسترش قابل توجهی داشته است. آمریکا بعد از یازده سپتامبر با پیگیری رویکرد مبتنی بر



امنیت هژمونی بر منطقه خاورمیانه را آغاز نمود. براین اساس حضور نظامی خود را در مناطقی از جمله عراق افزایش داد. حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در مرزهای جمهوری اسلامی ایران سبب شده است تا تأثیرات قابل توجهی بر نظم طبیعی و همکاری‌ها و توافقات بین‌مرزی و همچنین ارتباطات و تعاملات سازنده با کشورهای هم‌مرز که از اشتراکات تاریخی و فرهنگی برخوردارند، گردد؛ زیرا وجود قدرت‌های فرامنطقه‌ای در محیط پیرامونی ایران سبب شده است تا نوعی نگرشی مبتنی بر دوستی و دشمنی شکل گیرد و از همکاری و مشارکت دولت‌های منطقه بر پایه منافع و اهداف بلندمدت در راستای ایجاد نوعی ساختار امنیتی پایدار که مبتنی بر همکاری‌های مشترک مرزی است، جلوگیری به عمل آورد.

تروریسم بین‌المللی: از ابتدای آغاز پیشروی‌های گروه تروریستی داعش در عراق، این کشور با بزرگترین چالش‌های یک دهه اخیر خود، که تمامیت ارضی و جان شهروندان و حتی حاکمیت کشور را تهدید می‌نمود، روبرو شد. تروریست‌های داعش با عبور از مرزهای سوریه، کنترل موصل، دومین شهر بزرگ عراق را در ۱۰ ژوئن ۲۰۱۴ در اختیار گرفتند. در ماه آگوست همین سال، داعش آماده حمله به کردستان عراق شد، مخمور را تصرف کرد و اربیل را هدف تهدید خود قرار داد. ایالات متحده با حملات هوایی اربیل مداخلات خود را آغاز نمود و سلاح‌هایی برای پیشمرگ‌ها تدارک دید، اما نقش کلیدی را باید در حمایت به موقع نظامی و تدارکاتی جمهوری اسلامی ایران از اربیل دانست. در نتیجه رهبران اقلیم کردستان عراق نیز نقش تصمیم‌سازان تهران را به واسطه ارائه تجهیزات نظامی به نیروهای پیشمرگ‌ها ستایش کرده‌اند (طالبی، ۱۳۹۵) و این عامل به‌عنوان مؤلفه‌ای تأثیرگذار بر رونق و تداوم همکاری‌های بین دو کشور و دو منطقه می‌تواند به‌صورت مثبت ایفای نقش نماید.

قراردادهای نظامی عراق با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای: دولت تازه تأسیس عراق با ایجاد تغییرات بنیادین در سیاست خارجی خود از یک سو خواهان رهایی از فشار ایران و از سوی دیگر با دوری از درگیری‌ها و تنش‌های منطقه‌ای به دنبال ایجاد توازن در روابط بین‌المللی و منطقه‌ای، به‌ویژه با کشورهای عربی است. در همین راستا، بغداد با رهاکردن سیاست تنش می‌کوشد روابط خارجی خود، به‌ویژه با کشورهای همسایه در حوزه خلیج فارس را گسترش دهد. به‌عنوان مثال، می‌توان بیان نمود که بغداد در اوایل سال ۲۰۱۰ میلادی چهار میلیارد دلار برای



خرید ناوگان جنگنده‌های F-۱۶ آمریکایی هزینه کرده است، اما طبق گزارش‌های رسانه‌ای از زمان خروج تیم فنی مهندسی امریکا، با مشکل راه‌اندازی مناسب این جنگنده‌ها روبه‌رو شده است. از سوی دیگر، عراق به دنبال برتری جنگنده‌های رادارگریز سوخوی ۵۷ روسیه موسوم به (SU-۵۷) در مقایسه با انواع آمریکایی معروف به اف ۲۲ است و به دنبال عقد قراردادهایی مرتبط با خرید و فروش تسلیحات جنگی است.

جدول ۲. متغیرهای تأثیرگذار بر همکاری‌های مرزی ایران و اقلیم کردستان عراق

| شاخص‌ها | مؤلفه | ردیف |
|--|------------------|------|
| ژئومورفولوژی منطقه مرزی | سرزمینی | ۱ |
| موقعیت گذرگاهی | | |
| پیوستگی طبیعی با فراسوی مرز | | |
| ارزش تاریخی منطقه مرزی | اجتماعی - فرهنگی | ۲ |
| مذهب مشترک دو سوی مرز | | |
| زبان مشترک دو سوی مرز | | |
| نوع نظام سیاسی | سیاسی - حاکمیتی | ۳ |
| سیاست خارجی دو کشور نسبت به یکدیگر | | |
| ایدئولوژی و راهبردهای دو کشور هم‌مرز | | |
| ساختار اقتصادی | اقتصادی | ۴ |
| سطح توسعه در دو طرف مرز | | |
| سطح تعامل اقتصادی دو سوی مرز | | |
| راهبرد دفاعی | امنیتی - نظامی | ۵ |
| قراردادهای نظامی عراق با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای | | |
| تروریسم بین‌المللی | | |
| موقعیت ژئوپلیتیک منطقه مرزی | ژئوپلیتیکی | ۶ |
| شکل مرز (محدب، مقعر، مستقیم) بین دو کشور هم‌مرز | | |
| موقعیت ژئواستراتژیک منطقه مرزی | | |

یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

یافته‌های میدانی

در این بخش به منظور اولویت‌بندی مؤلفه‌های وُثر در همکاری‌های مرزی بین دو کشور از آزمون آماری فریدمن بهره گرفته شده است، در این بخش، ابعاد همکاری‌های مرزی در ۶ بعد و ۱۸ مؤلفه بررسی شده است که نتایج هریک از این ابعاد، بیان شده است.



رتبه‌بندی مؤلفه‌های سرزمینی

نتایج رتبه‌بندی مؤلفه‌های سرزمینی مؤثر در همکاری‌های مرزی ایران و کردستان عراق نشان می‌دهد که به ترتیب مؤلفه‌های پیوستگی طبیعی با فراسوی مرز با امتیاز ۲,۹۱ در جایگاه اول، موقعیت گذرگاهی منطقه مرزی با امتیاز ۲,۷۹ در جایگاه دوم و ژئومورفولوژی منطقه مرزی وضعیت مخاطرات محیطی با امتیاز ۲,۱۶ در جایگاه سوم قرار گرفته‌اند.

جدول ۲ نتایج آزمون فریدمن برای مؤلفه‌های سرزمینی

| رتبه | مؤلفه | امتیاز |
|------|-------------------------------|--------|
| ۱ | پیوستگی طبیعی مرز بین دو کشور | ۲,۹۱ |
| ۲ | موقعیت گذرگاهی | ۲,۷۹ |
| ۳ | ژئومورفولوژی منطقه مرزی | ۲,۱۶ |

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

رتبه‌بندی مؤلفه‌های بعد اجتماعی - فرهنگی

نتایج رتبه‌بندی مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی مؤثر در همکاری‌های مرزی ایران و کردستان عراق نشان داد که مؤلفه زبان مشترک دو سوی مرز با امتیاز ۳,۰۸، مذهب مشترک دو سوی مرز با امتیاز ۲,۶۱، ارزش تاریخی منطقه مرزی با امتیاز ۲,۳ به ترتیب در جایگاه اول تا سوم قرار گرفته‌اند.

جدول ۳ نتایج آزمون فریدمن برای مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی

| رتبه | مؤلفه | امتیاز |
|------|------------------------------|--------|
| ۱ | زبان مشترک ساکنین دو سوی مرز | ۳,۰۸ |
| ۲ | مذهب مشترک ساکنین دو سوی مرز | ۲,۶۱ |
| ۳ | ارزش تاریخی منطقه مرزی | ۲,۱۶ |

منبع: نگارنده، ۱۳۹۹

رتبه‌بندی مؤلفه‌های بعد سیاسی - حاکمیتی

نتایج رتبه‌بندی مؤلفه‌های سیاسی - حاکمیتی مؤثر در همکاری‌های مرزی ایران و کردستان عراق نشان داد که مؤلفه ایدئولوژی و راهبردهای دو کشور هم‌مرز با امتیاز ۲,۸، نوع نظام سیاسی با امتیاز ۲,۵۲، سیاست خارجی دو کشور نسبت به یکدیگر با امتیاز ۱,۹۳ به ترتیب در جایگاه اول تا سوم قرار گرفته‌اند.



جدول ۴. نتایج آزمون فریدمن برای مؤلفه‌های سیاسی - حاکمیتی

| رتبه | مؤلفه | امتیاز |
|------|--------------------------------------|--------|
| ۱ | ایدئولوژی و راهبردهای دو کشور هم‌مرز | ۲,۸ |
| ۲ | نوع نظام سیاسی | ۲,۵۲ |
| ۳ | سیاست خارجی دو کشور نسبت به یکدیگر | ۱,۹۳ |

منبع: نگارنده، ۱۳۹۹

رتبه‌بندی مؤلفه‌های بعد اقتصادی

نتایج رتبه‌بندی مؤلفه‌های اقتصادی مؤثر در همکاری‌های مرزی ایران و کردستان عراق نشان نشان داد که مؤلفه منابع مشترک مرزی دو سوی مرز با امتیاز ۲,۸۴، سطح توسعه اقتصادی دو کشور هم‌مرز با امتیاز ۲,۲۲، وجود یا عدم وجود بازارچه‌ها و مناطق آزاد مرزی با امتیاز ۲,۱۴ به‌ترتیب در جایگاه اول تا سوم قرار گرفته‌اند.

جدول ۵. نتایج آزمون فریدمن برای مؤلفه‌های بعد اقتصادی

| رتبه | مؤلفه | امتیاز |
|------|-----------------------------------|--------|
| ۱ | منابع مشترک مرزی | ۲,۸۴ |
| ۲ | وجود بازارچه‌ها و مناطق آزاد مرزی | ۲,۲۲ |
| ۳ | سطح توسعه اقتصادی دو کشور هم‌مرز | ۲,۱۴ |

منبع: نگارنده، ۱۳۹۹

رتبه‌بندی مؤلفه‌های بعد امنیتی و نظامی

نتایج رتبه‌بندی مؤلفه‌های امنیتی و نظامی مؤثر در همکاری‌های مرزی ایران و کردستان عراق نشان نشان داد که مؤلفه تروریسم بین‌المللی با امتیاز ۳، قراردادهای نظامی اقلیم کردستان عراق با قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای با امتیاز ۲,۷، راهبرد دفاعی با امتیاز ۲,۳۵ به‌ترتیب در جایگاه اول تا سوم قرار گرفته‌اند.

جدول ۶. نتایج آزمون فریدمن برای مؤلفه‌های بعد امنیتی و نظامی

| رتبه | مؤلفه | امتیاز |
|------|--|--------|
| ۱ | تروریسم بین‌المللی | ۳ |
| ۲ | قراردادهای نظامی اقلیم کردستان عراق با قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای | ۲,۷ |
| ۳ | راهبرد دفاعی | ۲,۳۵ |

منبع: نگارنده، ۱۳۹۹



رتبه‌بندی مؤلفه‌های بعد ژئوپلیتیکی

نتایج رتبه‌بندی مؤلفه‌های امنیتی و نظامی مؤثر در همکاری‌های مرزی ایران و کردستان عراق نشان نشان داد که مؤلفه موقعیت ژئوکالچری مرز دو کشور با امتیاز ۳،۱، موقعیت ژئواکونومیک منطقه مرزی دو کشور با امتیاز ۲،۴۴، موقعیت ژئواستراتژیکی مرز دو کشور با امتیاز ۲ به‌ترتیب در جایگاه اول تا سوم قرار گرفته‌اند.

جدول ۶. نتایج آزمون فریدمن برای مؤلفه‌های بعد ژئوپلیتیکی

| رتبه | مؤلفه | امتیاز |
|------|---------------------------------------|--------|
| ۱ | موقعیت ژئوکالچری مرز دو کشور | ۳،۱ |
| ۲ | موقعیت ژئواکونومیک منطقه مرزی دو کشور | ۲،۴۴ |
| ۳ | موقعیت ژئواستراتژیکی مرز دو کشور | ۲ |

منبع: نگارنده، ۱۳۹۹

نتیجه‌گیری

مرزها به‌عنوان بخشی از کشورها نقطه پایانی حاکمیت ملی و نقطه شروع تعامل و حرکت جهت ورود به عرصه‌های بین‌المللی هستند و می‌توانند به‌عنوان یک عامل ایجادکننده جنگ یا عامل برقرارکننده دوستی و تعامل نقش‌آفرینی نمایند. این موضوع سبب شده که مرزهای سیاسی بین‌المللی همچنان دارای اهمیت برای کشورها باشند و حکومت‌ها به‌صورت‌های مختلف برای مدیریت آنها با هدف کاهش آسیب‌پذیری کشور در سطوح مختلف محلی و ملی سعی کنند، برهمین‌اساس مدیریت مناسب مرزها باعث امنیت داخل و عدم بروز مشکل با کشور همسایه می‌شود و یا تاحدزیادی مشکلات را کاهش می‌دهد. در این میان کشور ایران به‌دلیل واقع‌شدن در منطقه پرتنش و پرخطر جنوب غرب آسیا، داشتن مرزهای طولانی دریایی و خشکی، همسایه‌بودن با بیش از ۱۵ کشور و چندین منطقه خودمختار، تنوع قومی و مذهبی در جداره مرزها، تنوع اقلیمی و نیز بی‌ثباتی سیاسی برخی از کشورهای همسایه آن باعث شده است که مسائل مرتبط با مرزها از اهمیت برجسته‌ای در راهبردهای کلان کشوری برخوردار باشد. در سال‌های اخیر، همکاری میان کشورها برای تأمین امنیت و توسعه در مناطق مرزی به یک مسئله حیاتی تبدیل شده است. در واقع، باتوجه‌به اهمیت مرزهای



سیاسی ایران به‌ویژه به‌دلیل استقرار گروه‌های قومی واحد در دوسوی مرز و مشکلات ناشی از کنترل آن، مدیران سیاسی کشور را متمایل به سمت همکاری بیش‌ازپیش با سایر واحدهای سیاسی پیرامون کشور نموده است. توجه به این موضوع سبب می‌شود تا در امتداد مرزها با اقلیم کردستان عراق اختلافات در استانداردهای زندگی و پرداختن به چالش‌های مشترک در این منطقه پر رنگ‌تر شده و در راستای حل‌وفصل تنش‌ها اقدامات مشترکی صورت گیرد. نتایج مطالعه در این پژوهش نشان داد که این منطقه دارای اشتراکات بسیار زیادی با مرزهای غربی جمهوری اسلامی ایران از لحاظ تاریخی، فرهنگی و اجتماعی ... است. اغلب دیدگاه دولت مرکزی به غرب کشور دیدگاه تهدیدمحور و با رویکرد نظامی انتظامی است. در صورتی که می‌توان از ظرفیت‌های اقوام این منطقه به‌عنوان یک عامل فرصت‌آفرین در راستای حل‌وفصل مشکلات محلی و ملی گام برداشت. دولت فدرال اقلیم کردستان عراق نیز یکی از این واحدهای سیاسی است و با توجه به طولانی‌بودن مرزهای غرب کشور به‌ویژه نواحی گردنشین با این منطقه فدرال، نیازمند همکاری بیش‌ازپیش برای مدیریت مرزهای این منطقه است. در طول یک قرن گذشته تنش‌های مرزی موجود در مناطق گردنشین که ناشی از تبعیضات سیاسی و اقتصادی نسبت به این مناطق بوده، سبب کاهش سطح امنیت این مناطق و مشکلات مخصوص به خود شده است. با توجه به اینکه کردستان عراق به‌دلیل قرارگرفتن در کشور بحرانی عراق دچار مشکلات متعددی است که عدم کنترل دقیق مرزها یکی از این مشکلات است و این عدم کنترل مسائل و مشکلات متعددی از جمله تردد غیرمجاز، قاچاق کالا و ... را سبب شده، بنابراین همکاری بیشتر با این منطقه می‌تواند به‌عنوان یکی از راهکارهای تضمین امنیت و توسعه در مناطق مرزی غرب کشور به‌ویژه مناطق گردنشین باشد. بر همین اساس، مقاله حاضر با رویکردی توصیفی - تحلیلی و با هدف بررسی عوامل مؤثر بر تداوم همکاری‌های مرزی انجام گرفته است. بدین‌منظور نگارندگان با مراجعه به منابع مختلف ۱۸ متغیر را به‌عنوان عوامل مؤثر در همکاری مرزی بین کشورها مشخص نمود و در ادامه به‌منظور بررسی این موارد بر منطقه مورد مطالعه در اختیار جامعه آماری تحقیق قرار گرفت. یافته‌های میدانی تحقیق حاضر که برگرفته از نظرات نخبگان و کارشناسان مرتبط با مسائل مرزی بود نشان داد که ۶ متغیر پیوستگی طبیعی مرز بین دو کشور، ایدئولوژی‌ها و راهبردهای دو کشور هم‌مرز،



زبان مشترک ساکنین دو سوی مرز، منابع مشترک مرزی، تروریسم بین‌المللی و موقعیت ژئوکالچری مرز بین دو کشور از جمله مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار بر پایداری همکاری‌های مرزی بین منطقه خودمختار کردستان عراق و ایران محسوب می‌شوند.



شکل ۲. مهم‌ترین عوامل مؤثر بر پایداری همکاری مرزی بین ایران و کردستان عراق
(یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹)

پیشنهاد و توصیه‌های راهبردی

- مدیریت مرزها به یک مقام محلی در یک کشور واگذار گردد تا به دلیل آشنایی لازم نسبت به ویژگی‌های طبیعی و انسانی اقدامات و برنامه‌های مناسب را تدوین نماید؛
- چارچوب قانونی مشترکی برای اجرایی نمودن پروژه‌های مرتبط با همکاری مرزی صورت گیرد؛
- ایجاد شرایطی مناسب برای عبور و مرور افراد، کالا و تحرک سرمایه؛
- بهبود در زیرساخت‌های حمل‌ونقل در مناطق مرزی به‌عنوان پایه‌ای برای همکاری پایدار؛
- گسترش سرمایه‌گذاری در کردستان عراق؛
- ایجاد زیرساخت‌هایی برای توسعه انتقال منابع انرژی با توجه به دارابودن مسیر ترانزیتی مناسب؛
- بهره‌برداری از ظرفیت توسعه منطقه مرزی؛



- تنوع فعالیت‌ها در روستاها و مناطق محروم‌تر، ترویج شبکه‌های مرزی و بهبود کیفیت منابع انسانی؛
- ایجاد و گسترش امکانات اجتماعی با استفاده از مناطق تجاری مرزی؛
- رفع موانع زیرساختی در مقیاس بزرگ مانند رشته کوه‌های آرات که سبب جدایی و صعب‌العبور شدن این منطقه شده است.
- چرخش در دیدگاه‌های مبتنی بر امنیت تهدیدمحور بر منطقه مرزی کردستان و جایگزین نمودن آن با دیدگاه فرصت‌محور.

منابع فارسی

- احمدی، کوروش (۱۳۸۴)، **عراق پس از سقوط بغداد**، تهران: نشر وزارت امور خارجه.
- احمدی، حمید (۱۳۷۹)، **قومیت و قوم‌گرایی در ایران، افسانه و واقعیت**، تهران، نشر نی، چ دوم.
- برویین سن و مارتین وان (۱۳۸۷)، **جامعه‌شناسی مردم کرد (آغا، شیخ و دولت)**، **ساختارهای اجتماعی و سیاسی کردستان**، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: نشر پانینی، چ اول.
- بوژمهرانی، حسن و پوراسلامی، مهدی (۱۳۹۳)، **تهدیدهای نرم خودمختاری اقلیم کردستان عراق و تأثیر آن بر کردهای ایران**، **دوفصلنامه علمی - پژوهشی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام**، دوره ۲، ش ۱، بهار و تابستان: ۱۱۰ - ۸۷.
- پیشگاهی‌فرد، زهرا؛ قالیباف، محمدباقر، یزدان‌پناه، کیومرث و نصراللهی، بهرام (۱۳۹۴)، **پژوهشی در حوزه فرهنگی و تمدنی ایران نمونه موردی: کردستان عراق، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران**، ش ۹، دوره پنجم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴
- جان‌پرور، محسن (۱۳۹۶)، **نگرشی نو به مطالعات مرزی (مفاهیم، اصول و نظریه‌ها)**، تهران: انتشارات انجمن ژئوپلیتیک ایران.
- جان‌پرور، محسن؛ تقی‌زاده، اکرم و مهر، علی (۱۳۸۹)، **بررسی زمینه‌های همکاری استان‌های مرزی با کشورهای آسیای مرکزی، استان گلستان**، مجموعه مقالات دومین همایش بازنگری روابط ایران و کشورهای آسیایی مرکزی، دانشگاه فردوسی، پاییز.
- حافظنیا و دیگران (۱۳۸۵)، **بررسی تطبیقی اهداف و عملکرد طرح پروانه گذر مرزی، مطالعه موردی ایران و ترکمنستان**، **مجله تحقیقات جغرافیایی**.
- حافظنیا، محمدرضا و جان‌پرور، محسن (۱۳۹۶)، **مرزها و جهانی‌شدن با نگاهی کوتاه به مرزهای ایران**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۷۹)، **مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی**، ج اول، چ اول، انتشارات سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور.



- حسین پوریان، رضا (۱۳۹۰)، **تبیین الگوی روابط در مناطق ژئوپلیتیک، مطالعه موردی شبه قاره هند**، رساله دکتری جغرافیای سیاسی، به‌راهنمایی پیروز محتهزاده و زهرا احمدی‌پور، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- رشیدیاسمی، غلامرضا (۱۳۶۳)، **کرد و پیوستگی نژادی و تاریخی او**، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چ دوم.
- زیباکلام، صادق و عبدالله پور، محمدرضا (۱۳۹۰)، **ژئوپلیتیک شکننده اقلیم کردستان عراق عامل همگرایی کردهای عراق به اسرائیل، فصلنامه سیاست**، دوره ۴۱، ش ۴.
- درایسدل، آلاسدایر و جرالند اچ بلیک (۱۳۷۳)، **جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا**، ترجمه دره میرحیدر، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- سازمان صنعت، معدن و تجارت استان تهران، شرکت مدیریت صادرات چکاد مبتکران حاما (۱۳۹۱)، **نشست تخصصی بررسی مسائل، مشکلات و راهکارهای حضور در بازار کشور عراق (اقلیم کردستان)**.
- شیاری، علی و فرهنگی، محمدحسین (۱۳۹۸)، **واکاوی استقلال اقلیم کردستان عراق باتأکید بر نقش هریک از قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، مجلس و راهبرد**، س ۲۷، ش ۱۰۱.
- شوتار، سوفی (۱۳۸۶)، **شناخت و درک مفاهیم جغرافیای سیاسی**، ترجمه سیدحامد رضیعی، تهران: سمت.
- طالبی، روح‌الله و زرین، یحیی (۱۳۹۵)، **ظهور داعش و دگردیسی در رفتار کردها (سوریه و عراق)**، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، س ششم، ش ۲، تابستان ۱۳۹۵: ۱۵۰ - ۱۲۷.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۱)، **تحلیلی بر ژئوپلیتیک ایران و عراق**، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- غه فوور، عه بدولله (۲۰۰۵)، **جوگرافیای کوردستان، چ چواره م**، چاپخانه‌ی وه‌زارتی په‌روه‌ده.
- قالیباف، محمداقبر؛ یاری شگفتی، اسلام و رمضان‌زاده لسبویی، مهدی (۱۳۸۷)، **تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر امنیت مرزها**، مطالعه موردی: بخش مرزی نوسود شهرستان پاوه، استان کرمانشاه، فصلنامه ژئوپلیتیک.
- کاکاللهی، دل‌آرام (۱۳۹۴)، **مبادلات مرزی و تأثیر آن بر توسعه مناطق مرزی ایران با عراق مطالعه موردی: مناطق مرزی استان کردستان**، پایان‌نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، به راهنمایی دکتر عمران راستی و مشاوره دکتر جواد مکانیکی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند.
- کریمی‌پور، یدالله (۱۳۸۰)، **مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تهدید و تنش)**، تهران، جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت معلم.



- کاویانی‌راد، مراد (۱۳۸۹)، **ناحیه‌گرایی در ایران از منظر جغرافیای سیاسی**، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- کبیری، ملیحه و جان‌پرور، محسن و زرقانی، سیده‌ادی (۱۳۹۶)؛ **تبیین و سطح‌بندی عوامل مؤثر بر اهمیت مرزها باتأکید بر مرزهای خشکی؛ پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل**، س ۵، ش ۲: ۱۱۷ - ۹۳.
- کریمی‌پور، یدالله (۱۳۸۱)، **ایران و همسایگان منابع تهدید و تنش**، انتشارات دانشگاه تربیت معلم.
- کوشکی، امین و طولابی‌نژاد، مهرشاد (۱۳۹۹)، **برنامه‌ریزی پایدار توسعه همکاری‌های مناطق مرزی (CBC) عوامل و محرک‌های مؤثر بر پایداری اتحاد مناطق مرزی، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی**، س بیستم، ش ۵۶، بهار ۱۳۹۹: ۱۴۰ - ۱۱۵.
- قربانی‌نژاد، ربیاز (۱۳۹۸)، **بررسی و تحلیل ویژگی‌های ساختاری دولت ایالتی کردستان عراق، فصلنامه علمی پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی**، س یازدهم، ش ۴، پاییز ۱۳۹۸.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۰)، **جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی**، تهران، انتشارات سمت.
- میرحیدر، دره؛ راستی، عمران و میراحمدی، فاطمه‌سادات (۱۳۹۲)، **مبانی جغرافیای سیاسی ویرایش با تجدیدنظر اساسی**، چ نوزدهم، تهران: انتشارات سمت.
- معین‌الدینی، جواد (۱۳۸۵)، **ژئوپلیتیک خاورمیانه و امنیت خلیج فارس، اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، ش ۲۶ و ۲۵.
- هاگت، پیتر (۱۳۸۲)، **جغرافیای ترکیبی نو**، ترجمه: شاپور گودرزی‌نژاد، تهران: سمت.
- هرمیداس، داوود (۱۳۸۰)، **جهانی‌شدن و امنیت ملی ایران، مجله امنیت**، ش ۲۳ - ۲۴، خرداد و تیر.
- نیک‌فر، جاسب و ماهیدشتی، مهدی (۱۳۹۴)، **واکای استراتژی نفتی اقلیم کردستان عراق، اهداف و رویکردها، پژوهش‌های راهبردی سیاست**، س چهارم، ش ۱۴، پاییز ۱۳۹۴ (ش پاییز ۴۴).
- نصری، قدیر و رضایی، داوود (۱۳۹۲)، **امکان‌سنجی استقلال اقلیم کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی - پژوهشی «امنیت پژوهی»**، سدوازدهم: ش ۴۴، زمستان ۱۳۹۲.
- یلدیز، کریم (۱۳۹۱)، **کردها در عراق؛ گذشته، حال، آینده**، ترجمه سیرو فیضی، انتشارات توکلی.



- Aulakh, P.S.; Kotabe, M.; Sahay, A. (1996), Trust and performance in cross-border marketing partnerships: A behavioral approach. *J. Int. Bus. Stud.*, 1005-1032.
- Blake, H.Gerald (1998). *The objectives Of Land Boundaries Management UK.IBRU.*
- Castanho, R. Loures, L. Fernandez, J. and Pozo, L. (2018), Identifying critical factors for success in Cross Border Cooperation (CBC) development projects, *Habitat International*, 72 (2): 92-99.
- Castanho, R.A.; Loures, L.; Cabezas, J.; Fernández-Pozo, L. (2017), Cross-Border Cooperation (CBC) in Southern Europe—An Iberian Case Study. *The Eurocity Elvas-Badajoz. Sustainability*, 360.
- Chen, Xiangming. (2006). Beyond the reach of globalization: China's border regions and cities in transition. Pp. 21-46 in *Globalization and the Chinese City*, edited by Fulong Wu. London: Routledge.
- Haggett, P. (2003). *Geography a new combination*. Translated by Goudarzi Nejad. Volume I. Tehran: Publication Samt
- House, J. (1982). *Frontier on the Rio Grand: A Political Geography of Development and Social Deprivation*. Clarendon Press: Oxford
- Kaczmarek, B. (2000), *Współdziałanie Przedsiębiorstw W Gospodarce Rynkowej*; Uniwersytetu Łódzkiego: Łódź, Poland.
- Koohi-Kamali, Farideh (2003), *The Political Development of the Kurds in Iran Nationalism*, Macmillan, New York.
- Kreyenbroek, P., & Stefan, S., 1992, *The Kurds. A Contemporary Overview*, Routledge/SOAS, London
- Kurowska-Pysz, J. Alexandre Castanho, R. and Loures, L. (2018), *Sustainable Planning of Cross-Border Cooperation: A Strategy for Alliances in Border Cities, Sustainability*.
- Kurowska-Pysz, J. Katarzyna, S. (2017), *The Analysis of the Determinants of Sustainable Cross-Border Cooperation and Recommendations on Its Harmonization*, The University of Dałbrowa Górnicza, 41-300 Dałbrowa Górnicza, Poland;
- Lee, S. and Na, S. (2010), E-Waste recycling systems and sound circulative economies in East Asia: A comparative analysis of systems in Japan, South Korea, China and Taiwan, *Sustainability*, 2: 1632- 1644.
- Martinez, O. (1994). the dynamics of border interaction: new approaches to border analysis. in C. Schofield (ed.), *Global Boundaries: World Boundaries*, Vol. 1, Routledge, London, pp. 1-15
- Medeiros, E. (2016), Territorial cohesion: An EU concept, *European Journal of Spatial Development*, 60: 1- 30.
- Newman, David. (2003). *Boundaries. A Companion to Political Geography*. Jan Agnew. The United Kingdom. Blackwell publishing.



- Oballance, Edgar (1996), *The Kurdish Struggle*, ST. Martins Press. INC, USA.
- Romano, N.C.; Pick, J.B.; Roztock, N. (2010), A motivational model for technology-supported cross-organizational and cross-border collaboration. *Eur. J. Inf. Syst.*, 117–133.
- Rumley, D . Minghi, J . (1991). *The geography of border landscapes*. London. By Routledge.
- Shamal Araqi, Turkey's Erdogan in First Visit to Iraq Kurd Region," Reuters, March 29, 2011, <http://www.reuters.com/article/2011/03/29> (accessed April 4, 2011).
- Rania El Gamal, Turkey, Iran Battle for Clout, Deals in Iraq," Reuters, December 8, 2010, <http://af.reuters.com/article/energyOilNews/idAFLDE6B20LL20101208> (accessed December 24, 2010).
- Schenone, C.; Brunenghi, M.M.; Pittaluga, I.; Hajar, A.; Kamali, W.; Montaresi, F.; Rasheed, M.; Wahab, A.A.; El Moghrabi, Y.; Manasrah, R.; et al. (2017), *Managing European Cross Border Cooperation Projects on Sustainability: A Focus on MESP Project*. Sustainability, 112.
- Schermerhorn, J.R. (1975), Determinants of interorganizational cooperation. *Acad. Manag. J.* 846–856.
- Soffer, A. (1994), "Forms of coexistence and transborder cooperation in hostile area: the Israeli case" in W. Galluser and et al (eds), *Political Boundaries and Coexistence*, Peter Lang, Berne, pp. 182-191.
- Xia, J. (2011), Mutual dependence, partner substitutability, and repeated partnership: the survival of cross-border alliances, *Strategic Management Journal*.